

عروسی بدون عروس و داماد
جشن‌های عمومی جای مراسم سنتی عروسی را در تالارها گرفته‌اند
باغ تالارها با فروش بلیت و برگزاری مهمانی‌های عمومی تلاش می‌کنند
صندلی‌های خالی و ظرفیت بلااستفاده خود را پر کنند

آپارتمان‌های چند سال ساخت به انتخاب اول خریداران تبدیل شدند

خانه‌های پیر
مشتری بیشتری دارند

افزایش قیمت نوسازها و هزینه بازسازی، خریداران تهرانی را به سمت آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله سوق داده است

در حالی که تا چند سال پیش، آپارتمان‌های نوساز پادشاه بی‌چون و چرای بازار مسکن بودند، حالا زمزمه‌هایی از تغییر ذائقه خریداران به گوش می‌رسد. افزایش محسوس تقاضا برای آپارتمان‌های میان ساخت ۵ تا ۱۰ سال در مقایسه با واحدهای نوساز و کلنگی، پرش‌های تازه‌ای را درباره اولویت‌های اقتصادی و روانشناسی خریداران ایجاد کرده است. چرا خانه‌ای که یک دهه از عمرش می‌گذرد، حالا جذاب‌تر از خانه تازه‌ساز شده است؟

بررسی سر نوشت وحدت و انسجام ملی پس از پایان جنگ و بازگشت به شرایط عادی

آزمون حاکمیت در روزهای همدلی

وحدت ملی شکل گرفته در دوران جنگ و پسا جنگ، اکنون با آزمون پاسخگویی به مطالبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم روبرو است

نگاهی به فیش‌های جدید بازنشستگان در سال ۱۴۰۵

چه کسانی بیشترین افزایش حقوق را گرفتند؟

احکام جدید برای بیش از پنج میلیون بازنشسته صادر شده و افزایش حقوق‌ها بر اساس دو فرمول متفاوت اعمال شده است



هفتاد و نهمین دوره جوایز تونی با درخشش نمایش «مرگ فروشنده» و ثبت یک رکورد تاریخی برای جان لیگو به پایان رسید

مرگ فروشنده فاتح برادوی شد

به مناسبت تولد فهیمه رحیمی، نویسنده‌ای که بدون جوایز ادبی، میلیون‌ها مخاطب به دست آورد

زندگی در قلم یک عاشقانه نویس

موفقیت رمان‌های عاشقانه فهیمه رحیمی باعث شد میلیون‌ها خواننده با شخصیت‌های داستان‌هایش همذات‌پنداری کنند

از بعلبک و ضاحیه به تهران

واکنش‌های جالب اینفلوئنسرهای لبنانی به حمله ایران به اسرائیل



نگاه امروز

روایت‌هایی از ایران و جهان

پیمان‌شمتا: در سال ۱۴۰۵ خبر داد؛ مدلی که هزینه‌ها را در دود را بر اساس میزان استفاده خودرو و از معیار شهری محاسبه می‌کند و نیازمند تکمیل زیرساخت‌های هوشمند ترافیکی است

چرا روسیه طرح «امنیت جمعی خلیج فارس» را به‌روزرسانی کرد؟

عقیقه عابدی، کارشناس مسائل بین‌الملل، انتشار نسخه به‌روزرشده طرح «امنیت جمعی خلیج فارس» از سوی روسیه را تلاشی برای افزایش نفوذ سیاسی و تثبیت جایگاه مسکو در نظم امنیتی جدید منطقه دانست. وی گفت روسیه با توجه به تحولات اخیر از جمله درگیری‌های منطقه‌ای و چالش‌های نظم امنیتی امریکامحور، می‌کوشد خود را به‌عنوان یکی از معماران امنیت خلیج فارس معرفی کند. عابدی تأکید کرد هدف اصلی مسکو کاهش تنش‌ها و برقراری تعادل است. به گفته او، این طرح فعلاً بیشتر یک ابتکار سیاسی و دیپلماتیک است و تحقق عملی آن به کاهش رقابت‌های منطقه‌ای و تغییر محاسبات امنیتی کشورهای خلیج فارس بستگی دارد.

بسیاری از موارد کودک‌آزاری در ایران هرگز افشامی‌شود

مهدي صالحی، فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان با اشاره به کمبود آمار دقیق درباره کودک‌آزاری در کشور گفت بسیاری از موارد سوءاستفاده از کودکان به دلیل پنهان‌کاری خانوادها و گزارش نشدن، ناشناخته باقی می‌ماند. وی اظهار کرد در بیمارستان محل فعالیتش تقریباً هر یک تا دو مسأله یک مورد کودک‌آزاری شناسایی می‌شود. صالحی انواع کودک‌آزاری را شامل جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت دانست و بر ضرورت گزارش موارد مشکوک از سوی پزشکان، معلمان و شهرنویسان تأکید کرد. به گفته وی، چالش‌های قانونی همچنان وجود دارد، اما آوازه‌ای اجتماعی و همکاری نهادهای تخصصی نقش مهمی در حمایت از کودکان آسیب‌دیده دارند.

هزاران نیروی ویژه اروپایی و آمریکایی در خلیج فارس چه می‌خواهند؟

باتریشیاماریس، تحلیلگر مسائل ژئوپلیتیک، در یادداشتی مدعی شد دونالد ترامپ مانع حمله احتمالی اسرائیل به ایران نشده، بلکه از بنیامین نتانیاهو خواسته است تا زمان مناسب دریافت «چراغ سبز» منتظر بماند. وی معتقد است طرح‌های صلح و تنش‌ها مطرح‌شده در خاورمیانه بیش از آنکه به دنبال حل بحران باشند، ابزاری برای خرید زمان، مدیریت افکار عمومی و فراهم کردن فرصت بازآرایی سیاسی و نظامی هستند. ماریس با اشاره به اختلاف منافع ترامپ و نتانیاهو، تأکید کرد رئیس‌جمهور آمریکا به زمان نیاز دارد، در حالی که نخست‌وزیر اسرائیل برای بقای سیاسی خود به تداوم تنش وابسته است. وی به استقرار گسترده نیروهای آمریکایی و



اقتصاد ایران در مرز حمله «نگهداشت» است

واقعیت دیگر این است که کشورمان در شرایط تحریم و محاصره قرار دارد. خب طبیعی است که توسعه جای خودش و نگهداشت می‌دهد. اقتصاد ایران در مرز حمله نگهداشت قرار دارد. محدودیت درآمدهای ارزی، فشار بر صادرات نفت، کاهش بخشی از فعالیت‌های تولیدی و ناطلمی‌های اقتصادی باعث شده اولویت اصلی سیاستگذار جلوگیری از تشدید بحران‌های معیشتی و حفظ آرامش اقتصادی باشد.

خطر تأمین مالی از مسیر چاپ پول

تجربه اقتصاد ایران و بسیاری از کشورهای جهان نشان می‌دهد که بدترین راه تأمین مالی سیاست‌های حمایتی، استقرار غیرمسئولانه از بانک مرکزی یا افزایش پایه پولی است. اگر دولت نتواند منابع کالابریگ را از محل درآمدهای واقعی تأمین کند، ناچار به استفاده از روش‌هایی خواهد شد که در نهایت به رشد نقدینگی منجر می‌شوند. نتیجه چنین

یادداشت

چالش بزرگ دولت برای تأمین منابع پایدار افزایش مبلغ کالابریگ

افشین امیرشاهی
سرمدیر

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت از دستنور رئیس‌جمهور برای یافتن منابع پایدار جهت افزایش مبلغ کالابریگ خبر داده است. طبق خبرهایی که در روز منتشر شده تصمیم دولت برای افزایش اعتبار کالابریگ شش دهک در آمدی صادر شده است. خب این پیگیری دولت از منظر اجتماعی قابل درک است، چون تورم در سه چهار سال اخیر و به خصوص در یک سال گذشته به شدت قدرت خرید خانوارها را کاهش داده است. در شرایط پسا جنگ و محاصره درباری، بخش قابل توجهی از جامعه برای تأمین کالاهای اساسی با دشواری روبرو شده‌اند. طبیعی است که دولت در چنین شرایطی به دنبال تقویت ابزارهای حمایتی باشد. اما چه دهک‌های پایین و چه سایر اقشار جامعه که همه با تورم زندگی می‌کنند، دولت چطور می‌خواهد منابع مالی کالابریگ را تأمین کند؟

همین عبارت «منابع پایدار» که سخنگوی دولت ذکر کرده، در واقع مهم‌ترین بخش ماجراست. چون اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که تقریباً همه منابع سنتی تأمین مالی دولت با محدودیت روبرو شده‌اند. بنابراین با همه واقعیت‌های تأمین منابع پایدار کالابریگ را بررسی کنیم و ببینیم مشکل کجاست و آیا تأمین این منابع شدنی است یا خیر؟

نخستین واقعیت این است که دولت نمی‌تواند نسبت به فشار معیشتی بی‌تفاوت باشد. طی سال‌های اخیر تورم بالا باعث شده سهیم‌خوارکی‌ها در سبب هزینه‌های خانوار افزایش یابد و دهک‌های پایین بیشتر آسیب‌رسان شوند. صدماتی که کالابریگ نسبت به پرداخت نقدی مزیت‌هایی دارد. چون منابع را مستقیماً به سمت کالاهای اساسی هدایت می‌کند و احتمال انحراف مصرف را کاهش می‌دهد. بنابراین اصل حمایت از خانوارهای کم‌درآمد یک واقعیت ناگزیر است. اما چه کسی است که نتواند ضرورت اجتماعی به تنهایی برای موفقیت یک سیاست اقتصادی کافی نیست.

مشکل از جایی آغاز می‌شود که دولت برای اجرای سیاست حمایتی به منابع نیاز دارد. در شرایط عادی، افزایش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی یا رشد اقتصادی می‌تواند پشتوانه چنین سیاست‌هایی باشد. اما اکنون اقتصاد ایران با محدودیت‌های جدی در درآمدهای ارزی، کاهش بخشی از درآمدهای مالیاتی و کسری بودجه سنگین مواجه است. حتی اگر برآوردهای خوش‌بینانه را مبنای قرار دهیم، دولت با شکاف قابل توجهی میان منابع و مصارف روبروست. در چنین وضعیتی هر تعهد جدید، بدون تعیین منبع پایدار، می‌تواند به مشکل بزرگ‌تری در آینده تبدیل شود.

خطر تأمین مالی از مسیر چاپ پول

تجربه اقتصاد ایران و بسیاری از کشورهای جهان نشان می‌دهد که بدترین راه تأمین مالی سیاست‌های حمایتی، استقرار غیرمسئولانه از بانک مرکزی یا افزایش پایه پولی است. اگر دولت نتواند منابع کالابریگ را از محل درآمدهای واقعی تأمین کند، ناچار به استفاده از روش‌هایی خواهد شد که در نهایت به رشد نقدینگی منجر می‌شوند. نتیجه چنین

Advertisement for 'Hafte Sobh' newspaper, featuring a cover image and promotional text about the 'Cajac' (Cajac) initiative.

Advertisement for 'Hafte Sobh' newspaper, featuring a cover image and promotional text about the 'Cajac' (Cajac) initiative.

Advertisement for 'Hafte Sobh' newspaper, featuring a cover image and promotional text about the 'Cajac' (Cajac) initiative.

آپارتمان‌های چندسال ساخت به انتخاب اول خریداران تبدیل شدند

خانه‌های پیرمشتري پيشترى دارند

افزايش قيمت نوسازها و هزينه بازسازى

خریداران تهرانی را به سمت آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله سوق داده است



حامد شایگان
دبیر اقتصادی

در حالی که تا چند سال پیش، آپارتمان‌های نوساز پادشاه بی‌چون و چرای بازار مسکن بودند، حالا زمزمه‌هایی از تغییر ذائقه خریداران به گوش می‌رسد. افزایش محسوس تقاضا برای آپارتمان‌های میان‌ساخت ۵ تا ۱۰ سال در مقایسه با واحدهای نوساز و کلنگی، برشش‌های وراثت‌شاسی خریداران ایجاد کرده است. چرا خانه‌ای که یک دهه از عمرش می‌گذرد، حالا جذاب‌تر از خانه تازه‌ساز شده است؟

شکاف قیمتی عامل رکود نوسازها

شاید مهم‌ترین دلیلی که خریداران را از آپارتمان‌های نوساز فراری داده، اختلاف قیمت فاحش آنها با واحدهای ۵ تا ۱۰ ساله است. تجربه میدانی نشان می‌دهد که قیمت هر متر مربع آپارتمان نوساز به دلیل جهش قیمت مصالح در بسیاری از محله‌های تهران، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد گران‌تر از واحدهای مشابه با ۵ تا ۱۰ سال قدمت است. در شرایطی که تورم ماهانه به ۸.۸ درصد رسیده و قدرت خرید خانوارها روز بروز تحلیل می‌رود، این شکاف قیمتی، خریداران را به سمت گزینه‌های به‌صرفه‌تر سوق می‌دهد. واحدهای نوساز، با امکانات مدرن و نمای رویه‌راه، دیگر آنچنان که باید در سید خرید طبقه متوسط جای ندارند.

بازسازی کلنگی‌ها گران شد

در سویی دیگر میدان، آپارتمان‌های کلنگی (پیش از ۲۰ سال ساخت) نیز محبوبیت سابق را ندارند. بسیاری از خریداران که تجربه خرید واحدهای فرسوده را داشته‌اند، از هزینه‌های سرسام‌آور بازسازی شاکي هستند. لوله‌کشی، سیم‌کشی، تعویض تأسیسات گرمایشی و سرمایشی و حتی گاهی نیاز به تخریب و نوسازی بخشی از آپارتمان، می‌تواند هزینه‌ای نزدیک به یک سوم قیمت خود آپارتمان را به خریدار تحمیل کند. در کنار اینها، خطر فرسودگی سازه، نفوذ رطوبت و ترک‌های دیوارها نیز

خانه میان‌ساخت نقطه شیرین تعادل بازار

آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله اما در نقطه طلایی بازار قرار گرفته‌اند. اولاً عمر تأسیسات آنها هنوز به پایان نرسیده و معمولاً تزیین به تعمیرات اساسی ندارند. لوله‌ها، سیم‌کشی، کف‌سازی و نمای ساختمان هنوز قابل قبول و سالم است. ثانیاً، قیمت آنها به طور قابل توجهی از نوسازها کمتر است، اما در عین حال کیفیت زندگی قابل قبولی ارائه می‌دهند. لذا، آنجا که این واحدها چند سالی مسکونی بوده‌اند،



پیش‌بینی آینده بازار مسکن

افساض انسان‌تر شود، ممکن است تقاضا برای نوسازها جان تازه‌ای بگیرد. تا آن زمان، آپارتمان‌های میان‌ساخت بر تخت سلطنت بازار مسکن تکیه خواهند. خانه‌هایی که نه زنگار فرسودگی دارند و نه فری نمای نوسازی. خانه‌هایی که درست به اندازه کافی کهنه شده‌اند تا قیمتشان دست یافتنی باشد و در دست به اندازه کافی نو هستند که بشود بدون یک ماه کابوس بازسازی، فردا صبح در آنها صبحانه خورد.

گزارش

بخشی از اختیارات گمرکات برای واردات کالاهای اساسی از تهران به مازندران، گیلان و گلستان رفت

کلید واردات کالاهای اساسی به شمال رسید

سیاست جدید گمرک ایران در واگذاری اختیارات به استان‌های شمالی باید با افزایش نظارت مانع از شکل‌گیری رانت‌های محلی برای واردات شود



مونا موسوی
دبیر مدیر

ابلاغیه جدید گمرک ایران برای واردات کالاهای اساسی در نگاه اول یک دستورالعمل فنی برای تسهیل ترخیص کالا از بنادر شمالی به نظر می‌رسد. اما وقتی جزئیات آن را بررسی کنید، متوجه یک تغییر راهبردی می‌شوید. دولت در حال تمرکززدایی از سیستم واردات کالاهای اساسی است و اختیارات تأیید گواهی‌های مبدأ، بازگردانی سیستمی و حتی کنترل سهمیه‌ها را از ستاد گمرک در تهران به گمرکات اجرایی استان‌های شمالی واگذار کرده است. در متن بخشنامه، از این اقدام با عنوان تمرکززدایی یاد شده است. در عمل این یعنی ستاد گمرک در تهران، مسئولیت تأیید گواهی‌های مبدأ، بازگردانی سیستمی و نظارت بر سهمیه‌ها را به مدیران استانی سپرده است. نکته جالب، تعیین سقف مشخص برای هر استان است. این یعنی دولت نه تنها فرآیند را غیر متمرکز کرده، بلکه یک سقف شفاف و قابل اندازه‌گیری هم برای هر استان تعریف کرده است. به نظر می‌رسد دولت قصد دارد مزایای موافقت‌نامه تجارت آزاد با اوراسیا را به صورت مدیریتی شده اعمال کند. موافقت‌نامه‌ای که تعرفه‌های ترجیحی و در برخی موارد صفر را برای واردات کالاهای خاص از کشورهای عضو یعنی ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه فراهم می‌کند. هر چند تعرفه‌های آزاد می‌توانند هزینه واردات را کاهش دهند، اما نبود کنترل بر حجم واردات ممکن است به برهم خوردن تعادل بازار داخلی یا ایجاد رانت در کنار مرزها منجر شود. این اختیارات منجر خواهد شد، گمرک تأیید کرده که به محض مسئولیت شدن سهمیه‌های تعیین شده، گزارش عملکرد باید برای بررسی و تخصیص احتمالی سهمیه‌های جدید به دفتر واردات ارسال شود. به عبارت دیگر، استان‌ها آزادند تا سقف تعیین شده واردات کنند، اما نه یک ریال بیشتر، و اگر سهمیه تمام شد، باید گزارش بدهند و منتظر دستور تهران بمانند.

تمرکززدایی یا واگذاری مسئولیت؟

از دهم خرداد ۱۴۰۵، قوانین بازی در گمرکات شمالی عوض شده است. گمرک ایران با ابلاغ بخشنامه جدید، فرآیند واردات کالاهای اساسی از مسیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به گمرکات اجرایی استان‌های مازندران، گیلان و گلستان واگذار کرده است. در متن بخشنامه، از این اقدام با عنوان تمرکززدایی یاد شده است. در عمل این یعنی ستاد گمرک در تهران، مسئولیت تأیید گواهی‌های مبدأ، بازگردانی سیستمی و نظارت بر سهمیه‌ها را به مدیران استانی سپرده است. نکته جالب، تعیین سقف مشخص برای هر استان است. این یعنی دولت نه تنها فرآیند را غیر متمرکز کرده، بلکه یک سقف شفاف و قابل اندازه‌گیری هم برای هر استان تعریف کرده است. به نظر می‌رسد دولت قصد دارد مزایای موافقت‌نامه تجارت آزاد با اوراسیا را به صورت مدیریتی شده اعمال کند. موافقت‌نامه‌ای که تعرفه‌های ترجیحی و در برخی موارد صفر را برای واردات کالاهای خاص از کشورهای عضو یعنی ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه فراهم می‌کند. هر چند تعرفه‌های آزاد می‌توانند هزینه واردات را کاهش دهند، اما نبود کنترل بر حجم واردات ممکن است به برهم خوردن تعادل بازار داخلی یا ایجاد رانت در کنار مرزها منجر شود. این اختیارات منجر خواهد شد، گمرک تأیید کرده که به محض مسئولیت شدن سهمیه‌های تعیین شده، گزارش عملکرد باید برای بررسی و تخصیص احتمالی سهمیه‌های جدید به دفتر واردات ارسال شود. به عبارت دیگر، استان‌ها آزادند تا سقف تعیین شده واردات کنند، اما نه یک ریال بیشتر، و اگر سهمیه تمام شد، باید گزارش بدهند و منتظر دستور تهران بمانند.

اعتبار ۱۲ ماهه و الزام حمل مستقیم

بخشنامه همچنین به نکات ظریف دیگری اشاره دارد. اعتبار گواهی مبدأ از تاریخ صدور، ۱۲ ماه تعیین شده است. اگر واردکننده در زمان اظهار اظهارات، گمرکات گواهی مبدأ را در اختیار داشته باشد، دولت در حال تمرکززدایی از سیستم واردات کالاهای اساسی است و اختیارات تأیید گواهی‌های مبدأ، بازگردانی سیستمی و حتی کنترل سهمیه‌ها را از ستاد گمرک در تهران به گمرکات اجرایی استان‌های شمالی واگذار کرده است. در متن بخشنامه، از این اقدام با عنوان تمرکززدایی یاد شده است. در عمل این یعنی ستاد گمرک در تهران، مسئولیت تأیید گواهی‌های مبدأ، بازگردانی سیستمی و نظارت بر سهمیه‌ها را به مدیران استانی سپرده است. نکته جالب، تعیین سقف مشخص برای هر استان است. این یعنی دولت نه تنها فرآیند را غیر متمرکز کرده، بلکه یک سقف شفاف و قابل اندازه‌گیری هم برای هر استان تعریف کرده است. به نظر می‌رسد دولت قصد دارد مزایای موافقت‌نامه تجارت آزاد با اوراسیا را به صورت مدیریتی شده اعمال کند. موافقت‌نامه‌ای که تعرفه‌های ترجیحی و در برخی موارد صفر را برای واردات کالاهای خاص از کشورهای عضو یعنی ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و روسیه فراهم می‌کند. هر چند تعرفه‌های آزاد می‌توانند هزینه واردات را کاهش دهند، اما نبود کنترل بر حجم واردات ممکن است به برهم خوردن تعادل بازار داخلی یا ایجاد رانت در کنار مرزها منجر شود. این اختیارات منجر خواهد شد، گمرک تأیید کرده که به محض مسئولیت شدن سهمیه‌های تعیین شده، گزارش عملکرد باید برای بررسی و تخصیص احتمالی سهمیه‌های جدید به دفتر واردات ارسال شود. به عبارت دیگر، استان‌ها آزادند تا سقف تعیین شده واردات کنند، اما نه یک ریال بیشتر، و اگر سهمیه تمام شد، باید گزارش بدهند و منتظر دستور تهران بمانند.

جزئیات فنی از گواهی مبدأ تا حمل مستقیم

بخشنامه گمرک به جزئیات دقیقی اشاره کرده که نشان از طراحی دقیق این سازوکار دارد. یکی از مهم‌ترین تغییرات، حذف ستاد تهران از فرآیند تأیید گواهی‌های مبدأ است. بر اساس ابلاغیه جدید، هیچ‌گونه تأیید یا بازگردانی سیستمی گواهی مبدأ در دفاتر ستادی گمرک ایران صورت نخواهد پذیرفت و گمرکات اجرایی موظف به انجام کامل تشریفات هستند. مسئولیت تشخیص اصالت گواهی‌های صادرشده از سوی کشورهای عضو اوراسیا، به عهده مدیران گمرکات مازندران، گیلان و گلستان است. دسترسی به بازگردانی گواهی مبدأ از حمل فقط برای بالاترین مقام گمرک اجرایی و معاون امور گمرکی آن گمرک مجاز شمرده شده است. این محدودیت دسترسی، احتمال سوءاستفاده را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، برای مواردی که واردکننده به اصل گواهی مبدأ دسترسی ندارد، گمرکات اجرایی مجاز شده‌اند تا تأیید اطلاعات مندرج در گواهی از طریق تارنمای الکترونیکی اوراسیا، تعهد یک‌ماهه برای ارائه اصل گواهی را بپذیرند و تشریفات را ادامه دهند. اما اگر واردکننده در این مهلت تمدن خود را ایفا نکند، گمرک موظف است ضمن خودداری از ارائه هرگونه تسهیلات، نسبت به مطالبه وجوه و جرائم مربوطه اقدام کند.

سرمهیه‌بندی شفاف با بیان انحصار

نکته دیگری که می‌تواند به کاهش شفاف‌برای هر استان است. در گذشته، حجم واردات از مسیر اوراسیا هیچ محدودیت مشخصی نداشت. همین نامحدود بودن، بستری برای ایجاد رانت و سوءاستفاده ایجاد می‌کرد. برخی واردکنندگان با استفاده از روابط خود، سهمیه نامرئی نامحدود به دست می‌آوردند و دیگران از بازار حذف می‌شدند. هر واردکننده‌ای که سهم‌وزنی لازم را داشته باشد، می‌تواند تا سقف تعیین شده اقدام کند و دیگران بسته شدن راه توسط یک حلقه خاص نمانند. رقابت جای انحصار را می‌گیرد و این یعنی قیمت تمام‌شده کالاهای اساسی برای مصرف‌کننده نهایی کاهش می‌یابد. اما آیا این تمرکززدایی به تنهایی می‌تواند مافیای رانت‌گست‌دهد؟ اگر نظارت مستمر و دقیق بر عملکرد گمرکات استانی وجود نداشته باشد، ممکن است صرفاً محل فساد از تهران به استان‌ها منتقل شود. به همین دلیل، بخشنامه گمرک یک مکانیسم نظارتی هوشمندانه طراحی کرده است که مسئولیت نگهداری سقف مقداری بر عهده بالاترین مقام گمرک اجرایی استان است. اما گزارش عملکرد باید به محض اتمام سهمیه، به دفتر واردات در تهران ارسال شود. علاوه بر این، دسترسی به بازگردانی گواهی مبدأ فقط برای بالاترین مقام و معاون امور گمرکی محدود شده است تا احتمال سوءاستفاده کاهش یابد.

مشکلات پنهان ساختنمی (مثل نم، ترک، ناسیسات خراب) زودتر عیان می‌شوند و خریدار با چشم‌ان بازتری معامله می‌کند. در واقع، خریدار امروز خانه به این جمع‌بندی رسیده که پرداخت ۳۰ درصد بیشتر برای یک نوساز، ارزش آن هزینه‌های اضافه را ندارد و از سوی دیگر، پرداخت هزینه بازسازی یک کلنگی هم برایش به صرفه نیست. اینجاست که واحدهای میان‌ساخت به «بهترین خرید» تبدیل می‌شوند. اما یک عامل روانشناختی هم در این میان وجود دارد که تقاضای مسکن در ۱۴۰۵ تا حدودی پایدار بماند ترس از دست دادن فرصت است. در بازاری که قیمت مسکن هر ماه جهش می‌کند، خریداران به جای جستجوی خانه خوب و پایایی نوساز، به دنبال خانه در دسترس هستند. تأخیر در تصمیم‌گیری، به معنای عقب‌ماندن از تورم است. واحدهای میان‌ساخت که هم قیمت نسبتاً معقولی دارند و هم بدون دردسر بازسازی قابل سکونت هستند، اکنون به گزینه اصلی تبدیل شده‌اند. خریدار ترجیح می‌دهد امروز یک واحد ۸ ساله بخرد و سوار قطار تورم شود تا اینکه شش ماه دیگر جستجو کند و دیگر توان خرید یک واحد نوساز را هم نداشته باشد. این تغییر سلیقه نشان می‌دهد که خریداران مسکن در ایران حرفه‌ای‌تر شده‌اند. آنها به جای فریب خوردن از نمای براق و کابینت‌های جدید، به سراغ نسبت قیمت به کیفیت می‌روند. آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله، این روزها بهترین بازدهی سرمایه را نسبت به ریسک بازسازی و هزینه اولیه ارائه می‌دهند. پدیده‌ای که نه یک حباب کمر، بلکه احتمالاً الگوی جدید بازار مسکن در سال‌های نوری پیش‌روست. این تغییر ذائقه، خود را به وضوح در آمارهای رسمی معاملات مسکن نشان داده است. بررسی سهم هر گروه از آپارتمان‌ها در قراردادهای خرید و فروش ماه‌های اخیر، گویای یک جابه‌جایی ساختاری است. سهم معاملات آپارتمان‌های نوساز (تا ۲ سال ساخت) کاهش یافته است. در مقابل، سهم آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله با رشد محسوسی همراه بوده، به عبارتی دیگر، برای اولین بار در چند سال اخیر، **میان‌ساخت‌ها، پیکان رو به رشدی در بازار مسکن** به هم ریخته است. تا پیش از

سرمایه‌گذاران را فراری می‌دهد. به عبارتی دیگر، کلنگی‌ها آنچنان که روی کاغذ آرزوی به نظر می‌رسند، در عمل هزینه‌بر هستند.

عکس‌فروشنده‌های نوساز فرصت برای خریداران سیبور

این تغییر سلیقه اما یک فرصت استثنایی برای خریدارانی ایجاد کرده است که همچنان به آپارتمان نوساز علاقه دارند. فروشندگانی که واحد خود را یک سال پیش با انتظار سود بالا خریداری کرده‌اند، حالا می‌بینند تقاضا از آنها فاصله گرفته. به تدریج اعطای قیمتی بیشتری نشان می‌دهند. مشاوران املاک گزارش می‌دهند که میزان چانه‌زنی روی قیمت آپارتمان‌های نوساز نسبت به پارسیال دو برابر شده است. یک واحد نوساز که صاحب آن یک سال پیش زیر قیمت منتظره را قبول نمی‌کرد، حالا آماده کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی است تا هر چه زودتر از بازار خارج شود. برای خریدار باهوش، این یعنی فرصتی برای خرید خانه نوساز با قیمت میان‌ساخت.

نوسان قیمت‌ها و دشواری تعیین قیمت روز

تغییر سلیقه، کار را برای مشاوران املاک و آرزویان نیز سخت کرده است. در گذشته، قیمت یک واحد مسکونی عمدتاً تابع سه عامل بود: منطقه، مترها و سن ساختمان. حالا اساس ساختمان به یک متغیر پیچیده تبدیل شده است. یک واحد ۸ ساله در یک خیابان ممکن است بیشتر از یک واحد ۳ ساله در خیابان مجاور قیمت بخورد، اگر آن خیابان خاصیت‌های بهتری داشته باشد یا ساختمان کهنه‌تری داشته باشد. این موضوع را می‌توان به عنوان یک عامل نامرئی در تعیین قیمت‌های متفاوتی برای یک واحد اعلام کرده‌اند.

گره‌گشایی از بحران‌های فصلی

تغییر دیگر، تأثیر این بخشنامه بر ثبات تأمین کالاهای اساسی است. در گذشته، هرگونه تغییر در مدیریت ستاد گمرک یا دستورالعمل‌های مرکزی، می‌توانست فرآیند ترخیص کالاهای اجاره‌ای هفته‌موقوف کند. خاطره تلخ پارسیال، زمانی که واردات روغن خام از روسیه به دلیل اختلاف بر سر تعرفه‌ها بیش از دو ماه متوقف شد، هنوز در آذهنان فعالان اقتصادی باقی است. این توقف دو ماهه، مستقیماً به افزایش قیمت روغن در بازار داخلی منجر شد و سفره مردم را تحت فشار قرار داد.

وعده کاهش مافیا

شاید مهم‌ترین دستاورد بالقوه این بخشنامه، تأثیر آن بر ساختار قدرت در واردات کالاهای اساسی باشد. سال‌ها بود که انحصار مافیای واردات به یک گروه کوچک از طریق گیلان ادامه می‌یابد. اگر سهمیه گیلان تمام شود، گلستان هنوز سهمیه دارد. این انحصار در سیستم، امنیت تأمین را بالا می‌برد. در شرایط محاصره اقتصادی و جنگ ارزی، این ویژگی می‌تواند موثر باشد. تمرکززدایی همچنین می‌تواند هزینه‌های تمام‌شده واردات را کاهش دهد. وقتی فرآیندهای تأیید و بازگردانی گواهی مبدأ دیگر نیاز به ارسال مدارک به تهران و طی کردن تشریفات طولانی ندارد، زمان ترخیص کالا به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. هر روزی که کالا در گمرک می‌ماند، هزینه اعتبارداری، بیمه و استیلاک به آن اضافه می‌شود. این هزینه‌ها در نهایت به قیمت تمام‌شده کالا افزوده می‌شود و مصرف‌کننده نهایی آن را می‌پردازد.

پیش‌بینی بازار در ماه‌های آینده

با در نظر گرفتن همه این عوامل، پیش‌بینی وضعیت بازار خودرو در نیمه دوم سال ۱۴۰۵ کار دشواری است. در کوتاه‌مدت، موجی از انتظار و احتیاط بازار را فرا می‌گیرد. خریداران احتمالی خریدشان را به تعویق می‌اندازند تا ببینند قیمت خودروهای وارداتی مناطق آزاد چقدر است و چه تأثیری بر بازار می‌گذارد. این می‌تواند به رکود موقت و حتی کاهش قیمت‌ها منجر شود. در میان‌مدت، اگر حجم ورود خودروها قابل توجه باشد و عوارض طوری تنظیم شود که این خودروها قیمت رقابتی عرضه شوند، کاهش تدریجی قیمت‌ها به ویژه در بخش خودروهای نیمه‌لوس دور از انتظار نیست. در بلندمدت، این آزادسازی می‌تواند ساختار بازار خودرو را دگرگون کند. افزایش رقابت، خودروسازان داخلی را مجبور به بهبود کیفیت و کاهش هزینه‌ها می‌کند و مصرف‌کنندگان گزینه‌های بیشتری پیش‌رو خواهند داشت. با این حال، نباید فراموش کرد که قیمت خودرو و تنها به عرضه و تقاضا بستگی ندارد. نرخ ارز، تورم، تحریک‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی همچنان عوامل تعیین‌کننده تسری هستند. تا وقتی این متغیرها کنترل نشوند، نمی‌توان از آزادسازی ورود خودروهای مناطق آزاد انتظار معجزه داشت.

عوارض ورود خودروهای مناطق آزاد

اما سؤال اساسی اینجاست: هزینه ورود این خودروها چقدر تمام می‌شود؟ حقوق فوئین، مالک‌ان برای تبدیل پلاک منطقه آزاد به ملی، باید «حقوق ورودی» شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی را پرداخت کند. مناسبت به محاسبه ارزش خودرو و حقوق ورودی هم بر اساس قوانین مصوب سال ۱۴۰۲ تعیین می‌شود. گذشته از عوارض گمرکی، خودروها باید تأییدیه ایمنی و خدمات پس از فروش را هم از نهادهای مربوطه بگیرند. آن دسته از خودروهایی هم که قبلاً مجوز تردد داشته‌اند، باید معاینه فنی متصل سامانه سیف‌را ارائه دهند، هرچه عوارض بالاتر باشد، انگیزه اقتصادی برای واردکنندگان کمتر می‌شود. و برعکس، اگر عوارض طوری تعیین شود که فاصله قیمتی معناداری بین خودروهای مناطق آزاد و نمونه‌های مشابه در بازار ایجاد کند، بازار رقابتی‌تر می‌شود.

رقابت نفس‌گیر در برابر وارداتی‌های مناطق آزاد

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این آزادسازی، بالا گرفتن رقابت در بازار خودرو است. خودروهای وارداتی مناطق آزاد معمولاً مدل‌های نسبتاً جدید (۳ تا ۵ سال کارکرد) هستند و از نظر کیفیت، ایمنی و امکانات، دست‌بالتری نسبت به بسیاری از محصولات داخلی دارند.

رقابت‌های پنهان ساختنمی (مثل نم، ترک، ناسیسات خراب)

زودتر عیان می‌شوند و خریدار با چشم‌ان بازتری معامله می‌کند. در واقع، خریدار امروز خانه به این جمع‌بندی رسیده که پرداخت ۳۰ درصد بیشتر برای یک نوساز، ارزش آن هزینه‌های اضافه را ندارد و از سوی دیگر، پرداخت هزینه بازسازی یک کلنگی هم برایش به صرفه نیست. اینجاست که واحدهای میان‌ساخت به «بهترین خرید» تبدیل می‌شوند. اما یک عامل روانشناختی هم در این میان وجود دارد که تقاضای مسکن در ۱۴۰۵ تا حدودی پایدار بماند ترس از دست دادن فرصت است. در بازاری که قیمت مسکن هر ماه جهش می‌کند، خریداران به جای جستجوی خانه خوب و پایایی نوساز، به دنبال خانه در دسترس هستند. تأخیر در تصمیم‌گیری، به معنای عقب‌ماندن از تورم است. واحدهای میان‌ساخت که هم قیمت نسبتاً معقولی دارند و هم بدون دردسر بازسازی قابل سکونت هستند، اکنون به گزینه اصلی تبدیل شده‌اند. خریدار ترجیح می‌دهد امروز یک واحد ۸ ساله بخرد و سوار قطار تورم شود تا اینکه شش ماه دیگر جستجو کند و دیگر توان خرید یک واحد نوساز را هم نداشته باشد. این تغییر سلیقه نشان می‌دهد که خریداران مسکن در ایران حرفه‌ای‌تر شده‌اند. آنها به جای فریب خوردن از نمای براق و کابینت‌های جدید، به سراغ نسبت قیمت به کیفیت می‌روند. آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله، این روزها بهترین بازدهی سرمایه را نسبت به ریسک بازسازی و هزینه اولیه ارائه می‌دهند. پدیده‌ای که نه یک حباب کمر، بلکه احتمالاً الگوی جدید بازار مسکن در سال‌های نوری پیش‌روست. این تغییر ذائقه، خود را به وضوح در آمارهای رسمی معاملات مسکن نشان داده است. بررسی سهم هر گروه از آپارتمان‌ها در قراردادهای خرید و فروش ماه‌های اخیر، گویای یک جابه‌جایی ساختاری است. سهم معاملات آپارتمان‌های نوساز (تا ۲ سال ساخت) کاهش یافته است. در مقابل، سهم آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله با رشد محسوسی همراه بوده، به عبارتی دیگر، برای اولین بار در چند سال اخیر، **میان‌ساخت‌ها، پیکان رو به رشدی در بازار مسکن** به هم ریخته است. تا پیش از

خودرو

گزارش هفت‌صبح از ورود خودروهای مناطق آزاد به بازار تشنه و منتهب خودرو ایران

دروازه خودروهای مناطق آزاد باز شد

از آداسازی ورود خودروهای مناطق آزاد می‌تواند عرضه را افزایش دهد، رقابت ایجاد کند و بخشی از التهاب بازار خودرو را کاهش دهد

سال ۱۴۰۵ بازار خودرو ایران با موج گرانی روبه‌رو شد، حالا برای متعادل شدن بازار پس از سال‌ها انتظار، ورود خودروهایی که روزگاری در جزایر کیش و قشم زندانی بودند، به خیابان‌های سراسر کشور افزایش یافته است. سال‌ها بود که قوانین اجازه نمی‌داد خودروهای پلاک مناطق آزاد مثل کیش و قشم، را از این جزایر فراتر بگذارند. به راننده‌ای که در سایر نقاط کشور دیده می‌شد، جرم‌بهای سنگینی در انتظارش بود. اما این روزها همه چیز تغییر کرده است.

نیمه‌سال ۱۴۰۲، دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی رسماً اعلام کرد خودروهای پلاک مناطق آزاد می‌توانند با پرداخت عوارض قانونی، پلاک ملی دریافت کنند. این مصوبه که بعد از ماه‌ها کشمکش به سرانجام رسید، عملاً دروازه را به روی حجم قابل توجهی خودرو به روی بازار داخلی گشود. اما این آزادی، نامحدود نیست. قانونگذار برای ورود این خودروها خط قرمزهایی کشیده است. مهم‌ترین شرط، حجم موتور کمتر از ۲۵۰۰ سی‌سی و ساخت داخل آمریکا نبودن است. برندهای خاص و لوکسی مثل لامبورگینی، فراری، پورشه و بوگاتی هم کاملاً از این قاعده مستثنا شده‌اند. یعنی راه برای خودروهای فوق‌العاده لوکس همچنان بسته باقی می‌ماند. نکته قابل توجه دیگر این است که مالکان برای این کار نیازی به کارت بازرگانی ندارند. ثبت سفارش هم به روش «بدون انتقال ارز» انجام می‌شود؛ اتفاقی که مسیر را برای افراد عادی بسیار هموارتر کرده است.

عوارض ورود خودروهای مناطق آزاد

اما سؤال اساسی اینجاست: هزینه ورود این خودروها چقدر تمام می‌شود؟ حقوق فوئین، مالک‌ان برای تبدیل پلاک منطقه آزاد به ملی، باید «حقوق ورودی» شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی را پرداخت کند. مناسبت به محاسبه ارزش خودرو و حقوق ورودی هم بر اساس قوانین مصوب سال ۱۴۰۲ تعیین می‌شود. گذشته از عوارض گمرکی، خودروها باید تأییدیه ایمنی و خدمات پس از فروش را هم از نهادهای مربوطه بگیرند. آن دسته از خودروهایی هم که قبلاً مجوز تردد داشته‌اند، باید معاینه فنی متصل سامانه سیف‌را ارائه دهند، هرچه عوارض بالاتر باشد، انگیزه اقتصادی برای واردکنندگان کمتر می‌شود. و برعکس، اگر عوارض طوری تعیین شود که فاصله قیمتی معناداری بین خودروهای مناطق آزاد و نمونه‌های مشابه در بازار ایجاد کند، بازار رقابتی‌تر می‌شود.

پیش‌بینی تأثیر این آزادسازی بر قیمت خودرو، و عملاً به عواملی کاهش نیز و رکود فروش دست و پنجه نرم می‌کند. فعالان بازار امیدوارند این افزایش عرضه، مخصوصاً در بخش خودروهای نیمه‌لوکس و اقتصادی، فشار قیمت‌ها را کم کند. اما ستار بوی بدبینانه چیز دیگری می‌گوید: اگر عوارض ورود انقدر بالا باشد که این خودروها با قیمتی نزدیک به نمونه‌های صفرکیلومتر بازار عرضه شوند، تأثیرشان بر کاهش قیمت‌ها ناچیز خواهد بود و تنها تنوع انتخابی خریداران را کمی بیشتر می‌کند. عامل مهم دیگر، تعداد خودروهایی است که شامل این قانون می‌شوند. آمار دقیقی از تعداد خودروهای پلاک مناطق آزاد واجد شرایط در دست نیست، اما با توجه به سال‌ها توقف خودرو در آن مناطق، احتمالاً عدد قابل توجهی است. اگر این خودروها یکپارچه روانه بازار شوند، شوک قیمتی ایجاد می‌کند. اما اگر ورودشان تدریجی و کنترل‌شده باشد، بازار فرصت جذب را پیدا می‌کند.

رقابت نفس‌گیر در برابر وارداتی‌های مناطق آزاد

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این آزادسازی، بالا گرفتن رقابت در بازار خودرو است. خودروهای وارداتی مناطق آزاد معمولاً مدل‌های نسبتاً جدید (۳ تا ۵ سال کارکرد) هستند و از نظر کیفیت، ایمنی و امکانات، دست‌بالتری نسبت به بسیاری از محصولات داخلی دارند.

رقابت‌های پنهان ساختنمی (مثل نم، ترک، ناسیسات خراب)

زودتر عیان می‌شوند و خریدار با چشم‌ان بازتری معامله می‌کند. در واقع، خریدار امروز خانه به این جمع‌بندی رسیده که پرداخت ۳۰ درصد بیشتر برای یک نوساز، ارزش آن هزینه‌های اضافه را ندارد و از سوی دیگر، پرداخت هزینه بازسازی یک کلنگی هم برایش به صرفه نیست. اینجاست که واحدهای میان‌ساخت به «بهترین خرید» تبدیل می‌شوند. اما یک عامل روانشناختی هم در این میان وجود دارد که تقاضای مسکن در ۱۴۰۵ تا حدودی پایدار بماند ترس از دست دادن فرصت است. در بازاری که قیمت مسکن هر ماه جهش می‌کند، خریداران به جای جستجوی خانه خوب و پایایی نوساز، به دنبال خانه در دسترس هستند. تأخیر در تصمیم‌گیری، به معنای عقب‌ماندن از تورم است. واحدهای میان‌ساخت که هم قیمت نسبتاً معقولی دارند و هم بدون دردسر بازسازی قابل سکونت هستند، اکنون به گزینه اصلی تبدیل شده‌اند. خریدار ترجیح می‌دهد امروز یک واحد ۸ ساله بخرد و سوار قطار تورم شود تا اینکه شش ماه دیگر جستجو کند و دیگر توان خرید یک واحد نوساز را هم نداشته باشد. این تغییر سلیقه نشان می‌دهد که خریداران مسکن در ایران حرفه‌ای‌تر شده‌اند. آنها به جای فریب خوردن از نمای براق و کابینت‌های جدید، به سراغ نسبت قیمت به کیفیت می‌روند. آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله، این روزها بهترین بازدهی سرمایه را نسبت به ریسک بازسازی و هزینه اولیه ارائه می‌دهند. پدیده‌ای که نه یک حباب کمر، بلکه احتمالاً الگوی جدید بازار مسکن در سال‌های نوری پیش‌روست. این تغییر ذائقه، خود را به وضوح در آمارهای رسمی معاملات مسکن نشان داده است. بررسی سهم هر گروه از آپارتمان‌ها در قراردادهای خرید و فروش ماه‌های اخیر، گویای یک جابه‌جایی ساختاری است. سهم معاملات آپارتمان‌های نوساز (تا ۲ سال ساخت) کاهش یافته است. در مقابل، سهم آپارتمان‌های ۵ تا ۱۰ ساله با رشد محسوسی همراه بوده، به عبارتی دیگر، برای اولین بار در چند سال اخیر، **میان‌ساخت‌ها، پیکان رو به رشدی در بازار مسکن** به هم ریخته است. تا پیش از

عوارض ورود خودروهای مناطق آزاد

اما سؤال اساسی اینجاست: هزینه ورود این خودروها چقدر تمام می‌شود؟ حقوق فوئین، مالک‌ان برای تبدیل پلاک منطقه آزاد به ملی، باید «حقوق ورودی» شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی را پرداخت کند. مناسبت به محاسبه ارزش خودرو و حقوق ورودی هم بر اساس قوانین مصوب سال ۱۴۰۲ تعیین می‌شود. گذشته از عوارض گمرکی، خودروها باید تأییدیه ایمنی و خدمات پس از فروش را هم از نهادهای مربوطه بگیرند. آن دسته از خودروهایی هم که قبلاً مجوز تردد داشته‌اند، باید معاینه فنی متصل سامانه سیف‌را ارائه دهند، هرچه عوارض بالاتر باشد، انگیزه اقتصادی برای واردکنندگان کمتر می‌شود. و برعکس، اگر عوارض طوری تعیین شود که فاصله قیمتی معناداری بین خودروهای مناطق آزاد و نمونه‌های مشابه در بازار ایجاد کند، بازار رقابتی‌تر می‌شود.

عوارض ورود خودروهای مناطق آزاد

اما سؤال اساسی اینجاست: هزینه ورود این خودروها چقدر تمام می‌شود؟ حقوق فوئین، مالک‌ان برای تبدیل پلاک منطقه آزاد به ملی، باید «حقوق ورودی» شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی را پرداخت کند. مناسبت به محاسبه ارزش خودرو و حقوق ورودی هم بر اساس قوانین مصوب سال ۱۴۰۲ تعیین می‌شود. گذشته از عوارض گمرکی، خودروها باید تأییدیه ایمنی و خدمات پس از فروش را هم از نهادهای مربوطه بگیرند. آن دسته از خودروهایی هم که قبلاً مجوز تردد داشته‌اند، باید معاینه فنی متصل سامانه سیف‌را ارائه دهند، هرچه عوارض بالاتر باشد، انگیزه اقتصادی برای واردکنندگان کمتر می‌شود. و برعکس، اگر عوارض طوری تعیین شود که فاصله قیمتی معناداری بین خودروهای مناطق آزاد و نمونه‌های مشابه در بازار ایجاد کند، بازار رقابتی‌تر می‌شود.



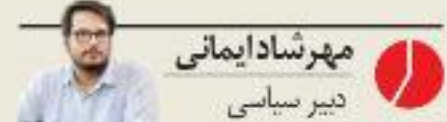
تعمین‌کننده تسری هستند. تا وقتی این متغیرها کنترل نشوند، نمی‌توان از آزادسازی ورود خودروهای مناطق آزاد انتظار معجزه داشت.

بررسی سر نوشت وحدت و انسجام ملی پس از پایان جنگ و بازگشت به شرایط عادی

آزمون بزرگ حاکمیت در روزهای همدلی

وحدت ملی شکل گرفته در دوران جنگ و پسا جنگ، اکنون با آزمون پاسخگویی به مطالبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم روبه‌رو است

این روزها چهره شهر مملو است از وحدت؛ در میادین اصلی شهر که بر ویم، افرادی را می‌بینیم که پرچم به دست، از کشورشان دفاع می‌کنند و نه یک روز و دو روز بلکه چند ماه است که با چنین حضوری می‌کوشند بگویند هر تجاوزی به خاکشان را محکوم می‌کنند و دست از یک وجب از این خاک بر نمی‌دارند. نکته جالب آن است که همه هم هستند و دیگر فقط حامیان یک جناح خاص سیاسی در صحنه حضور ندارند، بلکه با حجاب و بی حجاب، کت و شلوار و چغیه بر دوش تا اوبی که شلوار زاپ‌دار پوشیده و حتی تنور به دست و گردنش زده همه و همه با هر سبک زندگی و عقیده برای ایران در خیابان حضور دارند. این یعنی وحدت؛ همان امری که رهبر انقلاب نیز در پیام‌هایش بارها بر آن تأکید کردند؛ اینکه باید انسجام ملی حفظ شود و هر کس جلوی این انسجام بایستد، در زمین دشمن بازی کرده است. حاکمیت هم می‌کوشد در این ایام تنوع و تکثر اجتماعی را بپذیرد و هر اقدامی که تنش آفرین باشد، بپرهیزد. این وحدت فرصتی است که جز در ایام جنگ هشت‌ساله مشاهده نشده بود و حالا می‌توان بر پایه این وحدت اجتماعی و اجتماعی با حضور همه مردم را ترسیم کرد، اما چگونه و اگر این مهم محقق نشود، چه آثار و پیامدهایی خواهد داشت؟



مهرشاد ایمانی
دبیر سیاسی

امنی اسرائیل و شخص نتانیاهو به صراحت می‌گفتند که ما حمله را شروع می‌کنیم و سقوط نظام با خود مردم ایران باشد اما آنها به هیچ وجه تصور نمی‌کردند همان مردمی که برای اعتراض به روند حاکم در کشور به خیابان می‌آیند، وقتی جنگی شروع می‌شود برای دفاع از کبان کشورشان به خیابان می‌روند و به هیچ وجه دست بیعت با تجاوزگر به

کشورشان نمی‌دهند. با این وصف مسئله وحدت در مقطع کنونی یک امر نظری و گفتنی نیست و می‌تواند روند آینده کشور را رقم بزند اما به همان میزان که مردم در ایام جنگ از نظام و کشور دفاع کردند، بعد از ایجاد ثبات، انتظار دارند به خواسته‌هایشان رسیدگی شود، در حوزه اجتماعی دست‌کم بر مسئله پوشش با حاکمیت چالش نداشته باشند، فضای سیاسی قدری باز شود و البته اوضاع اقتصادی‌شان بهبود یابد.

نسبت مردم با حاکمیت، حاکمیت با مردم

امروز مردم نسبت خود را با حاکمیت مشخص کردند؛ اینکه در شرایط سخت حامی خواهند بود و منتظرند که حاکمیت در دوره تازه خود نسبتش را آنها مشخص کند.



کشورشان نمی‌دهند. با این وصف مسئله وحدت در مقطع کنونی یک امر نظری و گفتنی نیست و می‌تواند روند آینده کشور را رقم بزند اما به همان میزان که مردم در ایام جنگ از نظام و کشور دفاع کردند، بعد از ایجاد ثبات، انتظار دارند به خواسته‌هایشان رسیدگی شود، در حوزه اجتماعی دست‌کم بر مسئله پوشش با حاکمیت چالش نداشته باشند، فضای سیاسی قدری باز شود و البته اوضاع اقتصادی‌شان بهبود یابد.

بهرتر کند؛ به خصوص اگر دولت و نهادهای نظارتی در کوتاه‌مدت بتوانند نظارت دقیق بر قیمت‌گذاری‌ها داشته باشند تا حداقل بازار از اشتگتی قیمت‌ها بیرون آید.

بأس احتمالی در بی محقق نشدن مطالبات عمومی
ممکن است برخی مسئولان تصور کنند، چون مردم در سخت‌ترین شرایط کشور یعنی جنگ پای انقلاب ایستادند، بعد از این هم می‌پذیرند که شرایط سخت است و طاقت می‌آورند. این تحلیل دور از واقعیت است زیرا مردم منشأ سختی شرایط در ایام اخیر را حمله بیگانه می‌دانستند اما چه قبل و چه بعد از جنگ منشأ مشکلات داخلی را سوءتدبیرها و سوءمدیریت‌ها می‌دانند و اتفاقاً بعد از جنگ مردم در بی تحقق مطالبات‌شان می‌روند. اگر هم پاسخ مناسبی به مطالبات عمومی داده نشود، ایجاد باس خواهد شد؛ همان شرایطی که رهبری در بارش به همه تذکر دادند.

پاسخ به مطالبات و افزایش سرمایه اجتماعی
فرصت وحدت ملی این روزها دائمی نیست و با به یک دستاورد دائمی تبدیل می‌شود یا به تهدید تبدیل خواهد شد. اکنون که مردم خود پای انقلاب و ایران آمده‌اند می‌توان با پاسخ مناسب به مردم کاهش سرمایه اجتماعی سال‌های اخیر را جبران کرد و با مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌ها و مقابل مردم نایب‌اندان آنها در کنار نظام قرار داد، نه مقابلش. اگر چنین وضعیتی به وجود آید بی‌تردید در نخستین بزنگاه انتخاباتی میزان مشارکت افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده بازگشت امید سیاسی اجتماعی و احیای سرمایه اجتماعی نظام خواهد بود. از طرف دیگر فرصت وحدت این روزها از دست برود، بعد نیست بار دیگر شاهد مناقشات خیابانی باشیم، مسئله‌ای که در پی هر بار رخ‌دادنش هزینه‌های بسیاری بر کشور، مردم و نظام سیاسی و حتی شرایط آینده ایجاد کرده است و حتی بسیاری از کارشناسان سیاسی و حقوقدانان می‌گویند اگر اعتراضی در کشور نیز وجود دارد، می‌شود با ایجاد سازوکار قانونی-اجرایی مناسب و با تکیه بر اصل ۲۷ قانون اساسی پیش از بروز درگیری‌های خیابانی، اجازه برگزاری تجمع را به احزاب و مردم داد تا از یک سو مطالبات عمومی به‌طور واضح و مشخص شنیده شود و از سوی دیگر پتانسیل‌های اعتراضی نهفته اجتماعی به‌طور مدیریتی‌شده آزاد شوند. همه اینها بخشی از آن چیزی است که می‌تواند منجر به وحدت دائمی شود و بی‌تردید این مسئله جزئیات بسیاری دارد که تصمیم‌سازان باید همه آنها را شناسایی و مورد ارزیابی قرار دهند.

امروز مردم نسبت خود را با حاکمیت مشخص کردند؛ اینکه در شرایط سخت حامی خواهند بود و منتظرند که حاکمیت در دوره تازه خود نسبتش را آنها مشخص کند. حاکمیت می‌تواند از این فرصت به بهترین شکل ممکن بهره‌برداری و این تحکیم روابط را دائمی کند.

بازگشت سایه تسلیحات اتمی بر سر جهان



گزارش تازه موسسه پژوهش‌های صلح استکهلم نشان می‌دهد عصر خوش‌بینی به خلع سلاح هسته‌ای روبه پایان است

چین؛ سریع‌ترین قدرت هسته‌ای در حال رشد
اگر آمریکا و روسیه همچنان بزرگ‌ترین قدرت‌های هسته‌ای جهان هستند، چین سریع‌ترین رشد را تجربه می‌کند. براساس برآورد سیبری، تعداد کلاهک‌های هسته‌ای چین از حدود ۶۰۰ عدد در سال ۲۰۲۵ به ۶۲۰ کلاهک در سال ۲۰۲۶ رسیده است. اما اهمیت موضوع تنها در افزایش تعداد کلاهک‌ها خلاصه نمی‌شود. بکن در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری عظیمی در ساخت سیلوهای موشکی جدید، توسعه زیردریایی‌های اتمی و نوسازی ناوگان بمب‌افکن‌های راهبردی انجام داده است. در رژه نظامی سال ۲۰۲۵ نیز چین برای نخستین بار توانایی سیربی معتقدند اگر روند فعلی ادامه یابد، چین تا پایان این دهه می‌تواند تعداد موشک‌های بالستیک قاره‌بیمای خود را به سطحی نزدیک به آمریکا و روسیه برساند؛ تحولی که موازنه هسته‌ای جهانی را دگرگون خواهد کرد.

اروپا و احیای بازدارندگی اتمی
جنگ اوکراین تأثیر عمیقی بر نگاه کشورهای اروپایی به سلاح هسته‌ای گذاشته است. کشورهای مانند فنلاند و سوئد که دهه‌ها از حامیان سنتی خلع سلاح هسته‌ای محسوب می‌شدند، پس از پیوستن به ناتو به شکل فعال‌تری در سیاست‌های بازدارندگی اتمی این ائتلاف مشارکت می‌کنند. کارشناسان می‌گویند این کشورها اکنون در زمامش‌هایی حضور دارند که سناریوهای استفاده از سلاح هسته‌ای را شبیه‌سازی می‌کنند. در اروپای غربی نیز فرانسه بیش از گذشته تلاش می‌کند خود را به‌عنوان ستون هسته‌ای امنیت اروپا معرفی کند. پاریس با حدود ۲۹۰ کلاهک هسته‌ای، برنامه‌نوسازی نیروهای اتمی خود را ادامه داده و حتی از گسترش نقش «چتر هسته‌ای فرانسه» برای حمایت از کشورهای اروپایی سخن گفته است.

هند، پاکستان و قانون‌های جدید رقابت اتمی
در جنوب آسیا نیز رقابت هسته‌ای همچنان ادامه دارد. سیبری معتقد است هند در سال ۲۰۲۵ بار دیگر زرادخانه خود را اندکی افزایش داده و هم‌زمان روی نسل‌های جدید موشک‌های حامل کلاهک هسته‌ای بیشتر خواهد شد.

جهان در مسیر یک جنگ سرد جدید؟
پیام اصلی گزارش سیبری روشن است: سلاح هسته‌ای بار دیگر به قلب محاسبات امنیتی دولت‌ها بازگشته است. از اروپا تا شرق آسیا و از خاورمیانه تا شبه‌قاره هند، کشورها پیش از گذشته به بازدارندگی اتمی به‌عنوان تضمین امنیت خود نگاه می‌کنند. کریم حقانی، دبیر سیبری، هشدار می‌دهد که افزایش وابستگی راهبردی‌های دفاعی به سلاح‌های هسته‌ای، خطرات جهانی را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد. به باور او، هرچه دولت‌ها بیشتر بر قدرت اتمی تکیه کنند، احتمال اشتباه محاسباتی، تشدید ناخوابسته‌چرمان‌ها و آغاز یک مسابقه تسلیحاتی جدید نیز بیشتر خواهد شد.

چالش بزرگ دولت برای تامین منابع پایدار افزایش مبلغ کالبرگ کالبرگ تورم‌زا
ادامه از صفحه اول
مسئله کالبرگ در اصل را نباید دوگانه میسان «حمایت از مردم» و «حفظ ثبات اقتصادی» دید. هر دو هدف باید هم‌زمان دنبال شوند. اما شرط موفقیت این است که حمایت معیشتی بر پایه منابع واقعی و پایدار استوار باشد. دولت به همان میزان که نگران سرفه مردم است، باید نگران تورم هم باشد. چون تورم بزرگ‌ترین دشمن دهک‌های پایین است. اگر افزایش کالبرگ در محل درآمدهای واقعی، صرفه‌جویی در هزینه‌های غیر ضروری، اصلاح بارانه‌های پنهان با منابع پایدار دیگر تأمین شود، می‌تواند به بهبود معیشت خانوار کمک کند. اما اگر این سیاست به کسری بودجه بیشتر یا رشد نقدینگی منجر شود، ممکن است در میان‌مدت اثر معکوس بر رفاه مردم بگذارد. نگاهی به ایجاد مالی طرح کالبرگ نشان می‌دهد که نگرانی درباره تأمین منابع آن کاملاً جدی و واقعی است. در مرحله نخست اجرای این طرح، دولت مجوز استفاده از حدود ۲۵ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی را در یافت کرد، اما در عمل بانک مرکزی با استفاده از منابع ارزی در اختیار خود، از مورد نیاز تأمین و به پال تبدیل کرد. حاصل این اقدام، تأمین

رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

پس از پایان جنگ سرد، بسیاری از تحلیلگران تصور می‌کردند جهان به تدریج به سمت کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای حرکت خواهد کرد. امضای پیمان‌های کنترل تسلیحات میان واشنگتن و مسکو، کاهش تعداد کلاهک‌ها و شعارهایی مانند «جهانی‌سازی از سلاح هسته‌ای» که در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما مطرح شد، این امید را تقویت کرده بود. اما گزارش سالانه ۲۰۲۶ مؤسسه پژوهش‌های صلح استکهلم (سیبری) تصویری به کلی متفاوت ارائه می‌دهد. این گزارش نشان می‌دهد هر ۹ کشور دارای سلاح هسته‌ای نه تنها برنامه‌های نوسازی زرادخانه‌های خود را ادامه داده‌اند، بلکه در بسیاری موارد به دنبال توسعه نسل جدیدی از موشک‌ها، سامانه‌های برتاب و کلاهک‌های اتمی نیز هستند. هانس کریستین، پژوهشگر ارشد سیبری، می‌گوید شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که دولت‌های هسته‌ای به تدریج از تعهدات خلع سلاح فاصله می‌گیرند و به جای کاهش وابستگی به سلاح اتمی، در حال نمایش قدرت هسته‌ای خود هستند.

جهان امروز چندبمب اتمی در اختیار دارد؟
براساس برآورد سیبری، تا ژانویه ۲۰۲۶ در مجموع ۱۲ هزار و ۱۸۷ کلاهک هسته‌ای در جهان وجود داشته است. از این تعداد حدود ۹ هزار و ۷۴۵ کلاهک در انبارهای نظامی نگهداری می‌شوند و قابلیت استفاده عملیاتی دارند. حدود چهار هزار و ۱۲ کلاهک روی موشک‌ها یا هواپیماهای نظامی مستقر شده‌اند و نزدیک به دو هزار و ۲۰۰ کلاهک نیز در وضعیت «آماده شلیک فوری» قرار دارند؛ یعنی در صورت صدور فرمان، ظرف چند دقیقه قابل برتاب هستند. بخش عمده این تسلیحات همچنان در اختیار دو قدرت بزرگ هسته‌ای جهان یعنی آمریکا و روسیه قرار دارد. این دو کشور روی هم رفته حدود ۸۲ درصد کلاهک‌های آماده استفاده نظامی و نزدیک به ۸۶ درصد کل سلاح‌های هسته‌ای جهان را در اختیار دارند.

فروپاشی نظم کنترل تسلیحات
یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مطرح‌شده در گزارش، تضعیف چارچوب‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات است. در سال‌های اخیر بسیاری از نواقض مهم دوران جنگ سرد یا لغو شده‌اند یا کارایی خود را از دست داده‌اند. در قوریه گذشته نیز آخرین توافق عمده محدودکننده زرادخانه‌های راهبردی آمریکا و روسیه، یعنی پیمان «استرات تو»، به پایان رسید. این وضعیت باعث شده کارشناسان از ورود جهان به دوره‌ای جدید از رقابت هسته‌ای سخن بگویند؛ دوره‌ای که در آن هیچ سازوکار مؤثر و فراگیری برای مهار توسعه تسلیحات اتمی میان قدرت‌های بزرگ وجود ندارد.



جشن‌های عمومی جای مراسم سنتی عروسی را در تالارها گرفته‌اند

عروسی بدون عروس و داماد

باغ تالارها با فروش بلیت و برگزاری مهمانی‌های عمومی تلاش می‌کنند
صندلی‌های خالی و ظرفیت بلااستفاده خود را پر کنند



مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

سال‌ها بود صنعت برگزاری مراسم عروسی یکی از پررونق‌ترین بخش‌های اقتصاد خدمات در ایران به شمار می‌رفت. از تالارهای کوچک محلی گرفته تا باغ‌های مجلل حاشیه شهرها، همه بر یک واقعیت اقتصادی تکیه داشتند: هر سال صدها هزار زوج جوان ازدواج می‌کنند و بخش قابل توجهی از آنها برای آغاز زندگی مشترک خود جشن می‌گیرند. این چرخه، کسب و کار بزرگی را شکل داده بود که تالارها، گروه‌های موسیقی، گل‌فروشی‌ها، مزون‌ها، آتلیه‌ها و ده‌ها شغل دیگر از آن از تراق می‌کردند. اما حالا این معادله قدیمی به هم خورده است.

می‌شد، امروز شرایط تغییر کرده است. هزینه‌های سنگین اجاره تالار، پذیرایی، موسیقی، لباس، فیلمبرداری و سایر خدمات باعث شده بسیاری از زوج‌ها ترجیح دهند منابع مالی خود را برای رهن خانه، خرید لوازم ضروری یا سرمایه اولیه زندگی کنار بگذارند. در چنین شرایطی، مراسم عقد خانوادگی با دورهمی‌های محدود، جای جشن‌های بزرگ را گرفته‌اند. برای تالارها، معنای این اتفاق چیزی جز کاهش درآمد نیست.

صندلی‌های خالی در باغ‌ها
فعالان این صنعت می‌گویند بسیاری از باغ‌تالارها در روزهای عادی هفته عملاً بدون مشتری هستند، حتی در برخی آخر هفته‌ها نیز ظرفیت سالن‌ها تکمیل نمی‌شود. ساختمانی که با هزینه‌های سنگین نگهداری، نیروی انسانی، مالیات، برق،

کاهش تعداد ازدواج‌ها از یک سو و افزایش شدید هزینه‌های برگزاری جشن از سوی دیگر، صنعت تالارداری را در یکی از دشوارترین دوره‌های خود قرار داده است. نتیجه آن شده که بسیاری از سالن‌ها و باغ‌تالارها برای بقا به سراغ مدلی رفته‌اند که تا چند سال پیش کمتر کسی تصور آن را می‌کرد. برگزاری جشن‌های عمومی بدون عروس و داماد، راه‌حل جدیدی است که بازار تالارداران یافته است. جشن‌هایی که میزبان مشخصی ندارند، عروس و دامادی در کار نیست و مهمانان با خرید بلیت (تیکت) وارد فضای می‌شوند که از نظر موسیقی، دکوراسیون و حال‌وهوای کلی، شباهت زیادی به یک مراسم عروسی دارد.

مدت طولانی خالی بماند. به همین دلیل مالکان تالارها به دنبال راهی برای استفاده از ظرفیت بلااستفاده خود رفتند. راهکاری که به تدریج در برخی شهرها رواج پیدا کرد، برگزاری مهمانی‌های عمومی با فروش بلیت است. در این مدل، افراد به جای آنکه مهمان یک عروسی باشند، مشتری یک شب تفریحی هستند. آنها مبلغ مشخصی پرداخت می‌کنند و وارد مراسمی می‌شوند که از بسیاری جهات، یادآور جشن عروسی است.

جشن‌هایی با قیمت یک میلیون تومان
ارزان‌ترین سطح این مهمانی‌ها معمولاً با هزینه‌ای در حدود یک میلیون تومان برای هر نفر برگزار می‌شود. در این مدل، مهمانان از موسیقی زنده یا دی‌جی، فضای باغ یا تالار و پذیرایی ساده شامل میوه، شیرینی و نوشیدنی بهره‌مند می‌شوند. غذا رسمی و مجلسی، رقص و پایکوبی، نورپردازی و حتی گاهی تزئینات مشابه مراسم ازدواج،

اختیاری عرضه می‌شود، یعنی شرکت‌کنندگان در صورت تمایل، هزینه جداگانه‌ای برای شام پرداخت می‌کنند. همین موضوع قیمت اولیه بلیت را پایین نگه می‌دارد و امکان جذب طیف گسترده‌تری از مشتریان را فراهم می‌کند. برگزارکنندگان می‌گویند هدف اصلی در این سطح قیمتی، ایجاد فضایی برای دورهمی و سرگرمی است. فضایی که شباهت زیادی به یک مراسم عروسی دارد اما هیچ میزبان مشخصی پشت آن دیده نمی‌شود.

از مهمانی اقتصادی تا شب‌های لوکس
در سوی دیگر بازار، مهمانی‌های گران‌قیمت‌تری قرار دارند که هزینه حضور در آنها تا حدود ۱۰ میلیون تومان برای هر نفر نیز می‌رسد. در این سطح، کیفیت خدمات، دکوراسیون، پذیرایی و برنامه‌های جانبی به شکل محسوسی متفاوت است. میزهای شام مفصل، تنوع غذایی بیشتر، اجرای موسیقی حرفه‌ای، نورپردازی پیشرفته، خدمات ویژه و امکانات جانبی مختلف باعث می‌شود این مراسم به جشن‌های مجلل شباهت پیدا کنند. برخی مجموعه‌ها حتی یکجای چندسطحی

تعریف کرده‌اند. مشتری می‌تواند بسته اقتصادی، استاندارد یا ویژه را انتخاب کند و متناسب با مبلغ پرداختی از خدمات مختلف بهره‌برد. در واقع تالارها تلاش کرده‌اند هم‌ان منطبق اقتصادی بازار عروسی را به مهمانی‌های عمومی منتقل کنند؛ بازاری که در آن هر فرد بر اساس توان مالی خود انتخاب می‌کند.

عروسی بدون عروس
نقطه مشترک تمام این مراسم‌ها فضای شبیه‌سازی شده جشن عروسی است. موسیقی‌های مخصوص مجالس، لباس‌های رسمی و مجلسی، رقص و پایکوبی، نورپردازی و حتی گاهی تزئینات مشابه مراسم ازدواج،

بسیاری از شرکت‌کنندگان می‌دانند که قرار نیست شاهد مراسم ازدواج فرد خاصی باشند. آنها برای گذراندن یک شب متفاوت، معاشرت با دیگران و حضور در فضایی شاد بلیت تهیه می‌کنند. به همین دلیل برخی فعالان این بازار از اصطلاح «عروسی بدون عروس و داماد» برای توصیف این رویدادها استفاده می‌کنند. عبارتی که شاید در نگاه اول عجیب به نظر برسد اما واقعیت اقتصادی جدیدی را توصیف می‌کند.

۱۵۰ تا ۲۵۰ مهمان برای هر شب
بررسی‌ها نشان می‌دهد متوسط تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم‌ها معمولاً بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ نفر است. این تعداد برای بسیاری از تالارها به معنای رسیدن به نقطه سر‌به‌سر یا حتی کسب سود محسوب می‌شود. از نگاه صاحبان سالن‌ها، فروش بلیت به صدها نفر در یک شب، بخشی از درآمد دست‌رفته ناشی از کاهش مراسم عروسی را جبران می‌کند. به ویژه آنکه هزینه‌های اجرایی میان تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان تقسیم می‌شود. در برخی موارد، برگزارکنندگان با تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی، ظرفیت مهمانی را تکمیل می‌کنند و چندین شب متوالی برنامه برگزار می‌شود.

تفاوت‌های شهری
ماهیت این مهمانی‌ها در شهرهای مختلف یکسان نیست. در برخی مناطق، حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتری وجود دارد. به همین دلیل شکل برگزاری مراسم نیز تغییر می‌کند. در تعدادی از شهرها، جشن‌ها صرفاً برای خانم‌ها برگزار می‌شود. مهمانان در محیطی بسته و اختصاصی حضور پیدا می‌کنند و برنامه‌ها نیز متناسب با همین شرایط طراحی می‌شود. این مدل توانسته بخشی از تقاضای موجود برای فضاهای تفریحی و دورهمی‌های زنانه را جذب کند و به یکی از شاخه‌های درآمدی برخی تالارها

راهکاری که به تدریج در برخی شهرها رواج پیدا کرد، افراد به جای یک شب تفریحی هستند. مشتری مشخصی پرداخت می‌کنند و وارد یک شب جشن عروسی می‌شوند که از بسیاری جهات، یادآور جشن عروسی است.

بازاری در حاشیه

گزارش‌ها حاکی از آن است که در تعداد محدودی از این مراسم‌ها، برخی مهمانان از نوشیدنی‌های خاص نیز استفاده می‌کنند. البته این موضوع به شکل رسمی در تبلیغات مطرح نمی‌شود و در همه مراسم‌ها نیز وجود ندارد. با این حال فعالان بازار می‌گویند تنوع سلیقه مشتریان باعث شده برخی برگزارکنندگان برای جذب مخاطبان بیشتر به سمت خدمات متفاوت حرکت کنند. موضوعی که نشان می‌دهد این بازار هنوز در حال آزمون و خطا و یافتن مدل پایدار خود است.



تغییر چهره یک صنعت

آنچه امروز در باغ تالارها رخ می‌دهد، بیش از آنکه یک پدیده تفریحی باشد، نشانه‌ای از تغییرات عمیق اقتصادی و اجتماعی است. صنعتی که زمانی بر پایه افزایش ازدواج و برگزاری مراسم‌های خانوادگی رشد می‌کرد، اکنون برای ادامه حیات به مشتریانی متکی شده که لزوماً قصد ازدواج ندارند. این تحول، تصویری روشن از فشارهای اقتصادی وارد شده بر خانواده‌ها ارائه می‌دهد. زوج‌های جوان هزینه‌های زندگی را بر جشن ترجیح می‌دهند و تالارها نیز برای جبران این کاهش تقاضا، شکل تازه‌ای از خدمات را عرضه می‌کنند.

تفاوت ایران با بازارهای منطقه

یکی دیگر از نکاتی که از سوی فعالان صنف مطرح می‌شود، تفاوت نحوه فعالیت نمایندگی‌ها در ایران و برخی کشورهای منطقه است. به گفته عیوضخانی، در کشورهای مانند امارات یا عمان، شرکت‌های عرضه‌کننده خودرو تحت نظارت سختگیرانه‌تری قرار دارند و موظف‌اند خدمات پس از فروش و قطعات مورد نیاز مشتریان را تأمین کنند. او معتقد است در ایران سازوکارهای نظارتی به اندازه کافی موثر نیستند و همین موضوع به شکل‌گیری نارضایتی‌های گسترده منجر شده است.

نحوه اعطای نمایندگی و تعهدات خدمات پس از فروش است. به باور عیوضخانی، پیش از فروش گسترده هر خودرو باید تضمین محکمی برای تأمین قطعات و ارائه خدمات وجود داشته باشد

واقعیت آن است که بازار خودرو تنها به فروش محصول محدود نمی‌شود. زنجیره خدمات پس از فروش، تأمین قطعات و پاسخگویی به مشتری بخش مهمی از تجربه مالکیت خودرو را تشکیل می‌دهد. بخشی که این روزها بیش از هر زمان دیگری زیر دُرهبین مصرف‌کنندگان قرار گرفته است.

آینده‌ای پرابهام

فعالان بازار لوازم یدکی چشم‌انداز ماه‌های آینده را چندان امیدوارکننده نمی‌دانند. آنان هشدار می‌دهند اگر روند فعلی واردات و تأمین کالا ادامه پیدا کند، کمبود قطعات گسترده‌تر خواهد شد. به گفته عیوضخانی، برخی قطعات پر مصرف هنوز در بازار یافت می‌شوند اما موجودی بسیاری از کالاها رو به کاهش است. او معتقد است در صورت ادامه این روند، مصرف‌کنندگان برای تهیه قطعات معمولی نیز با مشکلات جدی تری روبرو خواهند شد. بازار لوازم یدکی امروز تصویری کوچک از چالش‌های بزرگ‌تر اقتصاد ایران است. بازاری که میان محدودیت‌های وارداتی، نوسانات قیمتی و کاهش قدرت خرید گرفتار شده است. در این میان، مالکان خودروها هر روز بیش از گذشته هزینه می‌پردازند. هزینه‌ای که گاه به شکل افزایش قیمت قطعه و گاه به صورت هفته‌ها انتظار برای رسیدن یک کالای ساده خود را نشان می‌دهد. شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که اگر امروز تأمین یک دینام یا گیربکس به چنین چالشی تبدیل شده، چند ماه دیگر وضعیت چگونه خواهد بود؟ پرسشی که پاسخ آن، نگرانی مشترک فروشندگان، تعمیرکاران و میلیون‌ها راننده ایرانی است.

خریداران به سمت این خودروها حرکت کنند. اکنون اما بخشی از همان مشتریان با واقعیتی متفاوت روبرو شده‌اند. کمبود قطعات، عیوضخانی می‌گوید: «برای خیلی از خودروهای چینی قطعه پیدا نمی‌شود. موزاردی داریم که خودرو در نمایندگی متوقف مانده و چند ماه منتظر یک قطعه است. حتی خودروهای تقریباً صفر کیلومتر هم اگر دچار ایراد شوند، ممکن است صاحبشان برای پیدا کردن قطعه به مشکل بخورد.» او معتقد است ضعف اصلی در نحوه اعطای نمایندگی و تعهدات خدمات پس از فروش است. به باور او، پیش از فروش گسترده هر خودرو باید تضمین محکمی برای تأمین قطعات و ارائه خدمات وجود داشته باشد. این فعال بازار می‌گوید: «وقتی مشتری دو یا سه میلیارد تومان برای یک خودرو هزینه می‌کند، قابل قبول نیست که ماشین به خاطر یک قطعه چند ماه در تعمیرگاه بماند. فروش خودرو بدون تضمین تأمین قطعه، مشکلی است که امروز خودش را نشان داده است.»

بازار سیاه قطعات

کمبود کالا، زمینه شکل‌گیری بازارهای غیررسمی را نیز فراهم کرده است. بازاری که در آن قطعات کمیاب با قیمت‌هایی چند برابر نرخ واقعی معامله می‌شوند. عیوضخانی نمونه‌ای از این وضعیت را در حوزه گیربکس خودروهای چینی بیان می‌کند. او می‌گوید یکی از آشنایانش برای تأمین گیربکس یک خودروی فونیکس با مشکل جدی مواجه شده بود. به گفته او، پس از جست‌وجوی فراوان و استفاده از ارتباطات مختلف، قطعه‌ای که پیدا شد قیمتی حدود ۱۰ میلیون تومان داشت. رقمی که برای بسیاری از مالکان خودرو شوکه‌کننده است.

ظاهر جذاب، در دسر فنی

یکی از انتقادهایی که از سوی برخی تعمیرکاران و فعالان بازار مطرح می‌شود، فاصله میان ظاهر و عملکرد برخی خودروهای چینی است. آنان معتقدند امکانات رفاهی گسترده و طراحی جذاب توانسته نظر خریداران را جلب کند اما در بخش فنی، مشکلاتی وجود دارد که پس از مدتی خود را نشان می‌دهد. عیوضخانی می‌گوید برخی مشتریان پس از مدت کوتاهی استفاده با هزینه‌های سنگین تعمیرات مواجه شده‌اند. از نگاه او، بخشی از خودروهای چینی برای شرایط استفاده در ایران به اندازه کافی بومی‌سازی نشده‌اند و همین موضوع می‌تواند در بلندمدت مشکلاتی ایجاد کند. هرچند این دیدگاه مورد توافق همه کارشناسان نیست، اما آنچه میان بسیاری از فعالان بازار مشترک به نظر می‌رسد، نگرانی از وضعیت خدمات پس از فروش و تأمین قطعات است. موضوعی که حتی طرفداران خودروهای چینی نیز آن را انکار نمی‌کنند.

هجوم به بازار قطعات دست دوم

وقتی قطعه نو پیدا نمی‌شود یا قیمت آن از توان مالی مصرف‌کننده خارج است، بازار دست دوم رونق می‌گیرد. فعالان این حوزه می‌گویند بسیاری از

وحید عیوضخانی فعال بازار لوازم یدکی که حدود ۱۵ سال در خیابان چراغ برقی فعالیت دارد، وضعیت فعلی را «بی‌سابقه» توصیف می‌کند. او می‌گوید بازار طی ماه‌های اخیر به موج سنگینی از افزایش قیمت‌ها روبرو شده و در کنار آن، واردات قطعات نیز با اختلال جدی مواجه شده است.

به گفته او، عمده فعالیتش در حوزه قطعات برقی خودروهای پراید، پژو، ال ۹۰، سمند و ۲۰۶ است. خودروهایی که هنوز بخش بزرگی از ناوگان کشور را تشکیل می‌دهند. با این حال حتی در این بخش نیز تأمین کالا دشوارتر از گذشته شده است. عیوضخانی می‌گوید: «در یک سال اخیر قیمت قطعات حدود ۱۲۰ درصد بالا رفته است. بخش بزرگی از این افزایش مربوط به همین چند ماه گذشته است. از ابتدای سال تا الان نزدیک ۷۰ درصد افزایش قیمت داشته‌ایم. بازار عملاً شوکه شده است.»

فعالان بازار معتقدند افزایش نرخ ارز، مشکلات ثبت سفارش، محدودیت‌های وارداتی و اختلال در مسیرهای تأمین کالا دست به دست هم داده‌اند تا قیمت‌ها با سرعتی فراتر از توان مصرف‌کنندگان رشد کند. نتیجه آن است که تعمیر بسیاری از خودروها به هزینه‌های سنگین تبدیل شده و بخشی از مالکان ترجیح می‌دهند تعمیرات را به تعویق بیندازند. اما بحران اصلی جایی خود را نشان می‌دهد که صحبت از خودروهای چینی به میان می‌آید.

کابوس مالکان خودروهای چینی

طی یک دهه گذشته خودروهای چینی سهم قابل توجهی از بازار ایران را به دست آورده‌اند. تنوع مدل‌ها، امکانات رفاهی متعدد و ظاهر به‌روز موجب شد بسیاری از

گزارش هفت صبح از کمبود قطعات یدکی و افزایش

بی‌سابقه هزینه تعمیر خودروها

پلوس پیدا نمی‌شود سفر را کنسل کنید

قیمت قطعات طی یک سال بیش از دو برابر شده و هزینه تعمیر خودروها جهش کرده است



هفت صبح: اگر تا چند سال پیش دغدغه اصلی مالکان خودرو پیدا کردن تعمیرکار ماهر بود، امروز بسیاری از صاحبان خودرو پیش از رسیدن به تعمیرگاه با مشکل بزرگ‌تری مواجه می‌شوند. پیدا کردن قطعه، بازاری که روزگاری یکی از پررونق‌ترین بخش‌های تجارت شهری محسوب می‌شد، اکنون با کمبود کالا، جهش قیمت‌ها و آشفتگی در زنجیره تأمین دست‌وپنجه نرم می‌کند. در این میان، مالکان خودروهای چینی بیش از دیگران طعم این بحران را چشیده‌اند. خودروهایی که با ظاهر مدرن و فهرست بلندبالای آپشن‌ها وارد خیابان‌های ایران شدند اما امروز برخی از آنها به دلیل نبود یک قطعه ساده هفته‌ها و حتی ماه‌ها در پارکینگ‌ها و تعمیرگاه‌ها متوقف مانده‌اند.



نمایشی علیه فراموشی

«نامقصود» با ساختاری غیر خطی و اجرایی زن محور، زخم کهنه خشونت علیه زنان را به مرکز توجه می آورد و تماشاگر را درگیر مسئولیت جمعی می کند

فاطمه برزویی
هفت صبح

تئاتر سال هاست که به سراغ مسائل اجتماعی رفته، اما برخی زخم‌ها همچنان کمتر روی صحنه روایت شده‌اند. یکی از این زخم‌ها، مسئله تعرض و خشونت علیه زنان است؛ موضوعی که سال‌ها به آن پرداخته اما در تئاتر کمتر مجال بروز یافته است. نمایش «نامقصود» تازه‌ترین اثری است که این تاپورا به مرکز روایت خود آورده و تلاش می‌کند از دل یک تراژدی شخصی، تصویری گسترده‌تر از خشونت و پیامدهای آن ارائه دهد. داستان حول شخصیت آبان شکل می‌گیرد؛ دختری جوان که رویای درخشیدن روی صحنه تئاتر را در سر دارد، اما همان جایی که قرار است سکوی پروازش باشد، به صحنه فروپاشی زندگی‌اش تبدیل می‌شود. نمایش با روایتی غیر خطی، تماشاگر را میان گذشته و حال جابه‌جا می‌کند و از خلال خاطرات، فلش‌بک‌ها و روایت‌های

پراکنده، ابعاد مختلف این فاجعه را آشکار می‌سازد. یکی از نکات قابل توجه «نامقصود»، حضور کامل بازیگران زن در صحنه است. در میان اجراها، بازی ناهید عساکره بیش از همه جلب توجه می‌کند؛ به ویژه در سکانس تعرض که با چنان شدت و باورپذیری اجرا می‌شود که تأثیر آن تا مدت‌ها در ذهن تلاش می‌کند نقش سکوت، انکار و بی‌تفاوتی اجتماعی را در تداوم خشونت به تصویر بکشد و نشان دهد چگونه زخم‌های حل‌نشده، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. اثری تلخ، تکان‌دهنده و تأمل‌برانگیز که مخاطب را وادار می‌کند فراتر از یک داستان فردی، به مسئولیت جمعی جامعه در برابر خشونت بیندیشد. در ادامه، گفت‌وگوی ما با کارگردان و بازیگران این نمایش را می‌خوانید؛ گفت‌وگویی درباره شکل‌گیری «نامقصود»، چالش‌های اجرایی آن و مواجهه با یکی از حساس‌ترین سوزهای اجتماعی روی صحنه تئاتر.

تعرض در تئاتر سال‌ها ناگفته مانده

قصه رضایه‌پاک و «نامقصود» از آنجایی شروع می‌شود که او تصمیم می‌گیرد به سراغ سوزهای ملتهب برود؛ پدیده‌ای که سال‌ها در تئاتر مسکوت مانده بود. او درباره ایده اولیه و پرداختن به این موضوع می‌گوید: «موضوع تعرض در تئاتر، در واقع خیلی پوشیده مانده است. این پدیده به گونه‌ای در فضای تئاتر ناگفته‌ها رها شده بود و من فکر می‌کردم که شاید نیاز است این موضوع را وارد یک فاز انتقادی کنیم و آن را با صدای بلند بیان کنیم.» بهکام معتقد است که پرداختن به چنین سوز‌هایی نیازمند جسارت است: «طبعاً چنین کاری جسارت می‌خواهد؛ چه در مرحله نوشتن متن و چه در مرحله اجرا. در رسانه‌های مانند سینما و شبکه‌های خانگی تا حدودی به این مسائل پرداخته شده است اما در تئاتر، من احساس می‌کردم که این اتفاق نیفتاده یا اگر هم بوده، بسیار کم‌رنگ بوده است. حداقل من در این هفت الی هشت سال اخیر چیزی در این باره روی صحنه ندیدم.»

مواجهه مخاطب با یک وضعیت پست در اما تیک

اما واکنش‌ها به این تابوشکنی چگونه بود؟ بهکام با اشاره به بازخوردهای دلگرم‌کننده مخاطبان، به ویژه زنان، توضیح می‌دهد: «بازخوردها نسبت به این پدیده و مضمون نمایش بسیار مثبت بود. اگر از منظر فضای زنانه به این نگاه کنیم، رویکرد مخاطب کاملاً هم‌رسانه بود. البته از آنجا که سبک اجرا یک روال مدرن را طی می‌کند و در وضعیت پست در اما تیک قرار دارد، ممکن است برخی از مخاطبان با فرم اجرایی ارتباط عمیقی برقرار نکرده باشند، اما نسبت به خود سوز ملتهب و محتوای اثر، برخورد بسیار قابل اعتنا و مثبت بود.»

او برای روایت این قصه، ساختار غیر خطی را انتخاب کرده است؛ انتخابی که ریشه در میل به تجربه‌گرایی دارد: «سعی کردم یک وضعیت نوگرا و تجربه‌گرا را خلق کنم. می‌خواستم در اجرا از کلیشه‌های رایج و خطی دوری کنم تا تأثیرگذاری اثر به شکل متفاوتی رقم بخورد. جالب اینجاست که متن نمایش، پیش از شروع تمرینات کاملاً در ذهن او شکل گرفته بود: «متن ابتدا به صورت کامل نوشته و در ذهن من تصویر شد. در طول دورخوانی‌ها شاید تنها حدود پنج درصد از واژه‌ها و لغات اصلاح و بهینه‌سازی شد، اما ساختار متن و محتوا پیش از تمرین کاملاً تثبیت شده بود.»

دخل و خرج یا هم نمی‌خواند

یکی از بحث‌ها طبق معمول مواجهه با افول اقتصادی و بحران‌های مالی است. بهکام این موضوع را با پوست و استخوان لمس کرده است. این کارگردان با لحنی تلخ اما واقع‌بینانه می‌گوید: «اگر بخوایم عامیانه بگوییم، دخل و خرج در تئاتر اصلاً با هم نمی‌خواند. اقتصاد تولید تئاتر به گونه‌ای است که هزینه‌ها بسیار بالاتر از در آمد حاصل از بلیت‌فروشی است. غالباً در



طول سال، عمده کارهای تئاتری زبان‌ده هستند. او معتقد است که دولت و نهادهای ذی‌ربط باید تمهیدات ویژه‌ای برای تبلیغات گروه‌های تئاتری در نظر بگیرد. «علاوه بر پاره‌هایی که می‌تواند تعقل بگیرد، باید بسترهای برای تبلیغات فراهم شود. مثلاً ما اگر بخواهیم در یک شبکه مجازی تبلیغ بدهیم، هزینه یک پست ساده حدود چهار میلیون تومان است! این مبلغ با وضعیت بلیت‌فروشی ما اصلاً همخوانی ندارد. درآمد یک گروه تئاتری با یک پروژه سینمایی یا شبکه خانگی که درآمدهای میلیاردی دارد، قابل قیاس نیست. دولت یا شهرداری باید سیاست‌هایی حمایتی برای تبلیغات تئاتر را در نظر گرفتن این تفاوت درآمدی وضع کنند.»

بهکام تأکید می‌کند که عمر کوتاه نمایش‌ها، این نیاز را تشدید می‌کند: «تئاتر به‌عنوان معمولاً بیشتر از یک دو ماه روی صحنه نیستند. بنابراین در همان یک یا دو هفته باید موثرترین تبلیغات انجام شود تا کار دیده شود. در غیر این صورت، فقط تئاترهای سلسلریتی محور یا آنهایی که تهیه‌کنندگان خاص دارند می‌توانند خودشان را مطرح کنند. این چرخه محبوب باید به گونه‌ای تقویت شود.»

عشق به صحنه: دلیلی برای ماندن
وقتی از او می‌پرسیم که در چنین شرایط پیچیده و مبهمی، چه چیزی او را به تئاتر قادر نگه داشته است، پاسخی کوتاه اما عمیق می‌دهد: «شرایط از منظر اقتصادی و ثبات اجتماعی بسیار سخت است. طبیعی است که آدم‌هایی مثل ما صافاً به سبب دغدغه‌های که دارند می‌مانند و ادامه می‌دهند. و گرنه از نظر منطق اقتصادی، حضور در این عرصه هیچ توجیهی ندارد.»

رضایه‌پاک در پایان گفت‌وگو، از آرزوهایش برای مخاطبان نمایش می‌گوید: «آرزویی که رسالت اصلی هنر او را روشن می‌کند: «دوست دارم مخاطب، به ویژه بانوان محترم جامعه، بیایند و کار را ببینند و ما را نقد کنند. دلم می‌خواهد تماشاگر پس از ترک سالن، تحت تأثیر قرار بگیرد؛ چه از منظر زیبایی‌شناسی بصری مانند دکور و نور، و چه از منظر محتوا. می‌خواهم این مضمون در خاطرشان بماند، به آن فکر کنند و برای خودشان تجزیه و تحلیل کنند. این همان چیزی است که به من انگیزه می‌دهد تا در این مسیر سخت، کارهای بعدی را با این گروه ادامه دهم.»

فرهنگ و هنر

آرژانه، صبح ایران، شنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۴



نایده عساکره

یک بازیگر باید مدام خود را به روز نگه دارد

چالشی بود که همیشه مجالی برای کشف زوایای پنهان روح انسان بوده است. در نمایش «نامقصود»، نازنین میهنی با ایفای نقش «آزاده»، قدم در مسیری گذاشته که با شخصیت واقعی‌اش فرسنگ‌ها فاصله دارد. او در این گفت‌وگو از تجربه رویارویی با یک کاراکتر سرد و فلسفه بازیگری‌اش می‌گوید. میهنی در «نامقصود» تصمیم می‌گیرد از منطقه امن خود خارج شود. او درباره پذیرش این نقش می‌گوید: «آزاده شخصیتی کاملاً متفاوت و متعصب‌طلب است. او از یک خانواده سطح بالا می‌آید و همه چیز را در پول می‌بیند. آدم‌ها برای او تنها پله‌هایی برای رسیدن به خواسته‌هایش هستند.» این بازیگر که پیش از این کمتر در قالب نقش‌های منفی ظاهر شده، این تفاوت را یک چالش جذاب می‌داند: «این کاراکتر از من خیلی فاصله دارد. کنترل کامل احساسات و نمایش یک انسان کاملاً سرد که تماشاگر او را ببیند، برایم

بسیار جذاب است.»
بازیگری: تلفیق تکنیک و زیست
وقتی از او درباره اهمیت تکنیک در برابر تجربه غریزی می‌پرسیم، نگاهی جامع به مقوله هنر رویارویی با یک کاراکتر سرد و فلسفه بازیگری‌اش می‌دهد. او معتقد است تکیه صرف بر تجربه کافی نیست: «قطعا هم تجربه و هم تکنیک اهمیت دارند. یک بازیگر باید مدام خود را آپدیت کند و متدهای روز دنیا را بشناسد.» میهنی بازیگری را ترکیبی از آموزش، تجربه و البته «زیست» می‌داند: «بازیگری که زیست، آگاهی و دانش بالاتری داشته باشد، قطعاً موفق‌تر است. ما در این حرفه نقش‌هایی را زندگی می‌کنیم که از خودمان دور هستند؛ بنابراین تحقیق و انتخاب متد درست برای جان‌بخشیدن به نقش، حیاتی و بسیار جذاب است.»



نایده عساکره



نایده عساکره

هزار و هفتصد صفحه داستان نوشت. هفت اثرش در فهرست ۴۷ کتاب پرفروش پس از انقلاب جای گرفت و رکورد آن فیرست در اختیار گرفت. منتقدان او را با دانتیل استیل مقایسه کردند، اما رحیمی این مقایسه را رد می‌کرد؛ می‌خواست خودش باشد.

مادری که برای نسل جوان می‌نوشت

آنچه فهیمه رحیمی را از سایر نویسندگان پرفروش متمایز می‌کند، نگاهی است که به مخاطبش داشت. او یک بار گفت: «خودم را نویسنده نمی‌دانم؛ مادری هستم که دوست دارد نسل جوانم کتاب بخواند، کتاب ایرانی بخواند.» این جمله، وزن دارد. رحیمی در جامعه‌ای که کتاب‌خوانی تعریف خاصی داشت و ادبیات «جدی» محدود به قشر خاصی بود، در خانه‌های



سه کتاب از فهیمه رحیمی



نایده عساکره

رسالتی به وسعت یک دردمشترک

ناهیده عساکره در «نامقصود» با کاراکتری مواجه می‌شود که نمی‌تواند به سادگی از کنارش عبور کند. او درباره دلیل پذیرش نقش «آبان» می‌گوید: «احساس کردم این کاراکتر نیازی است که باید در کارنامه هنری‌ام باز بگردد باشد. وقتی نمایشنامه را خواندم و دیدم چه اتفاقاتی برای این شخصیت افتاده، حس کردم این نقش من را قفلک می‌دهد و به سمتی سوق می‌دهد که حتماً آن را ببینم.» عساکره معتقد است دردی که آبان می‌کشد، محدود به قشر خاصی نیست: «این داستان دور ما نیست. ما از جنس زمین و ممکن است این اتفاقات رخ دهد. البته پراتزی بازیکنم؛ این مسئله (تعرض و آسیب) فقط مختص حوزه هنر نیست. ممکن است برای یک زن در خیابان یا در هر صنف دیگری که کار می‌کند، چنین اتفاقی بیفتد. به همین دلیل، مخاطب عام هم وقتی در سالن می‌نشیند، کاراکتر را درک می‌کند. برای من، این نقش یک رسالت بود تا پیامی را به مخاطب منتقل کنم؛ به‌خصوص که یکی از دوستان خودم نیز تجربه مشابهی داشت و من از نزدیک با این درد آشنا بودم.»

یکی از بحث‌های مهم روانشناسی در بازیگری، مواجهه با ترومای شخصیتی است که بازیگر باید آن را زندگی کند. عساکره درباره سخت‌ترین بخش ارتباط با کاراکتر آبان می‌گوید: «سخت‌ترین چیز، ایهام در سرنوشت اوست. اینکه آیا واقعا اتفاقی که برایش می‌افتد خودکشی است؟ آبان ترومای سنگینی را از بچگی با خود حمل کرده، خانواده‌اش او را رها کرده‌اند و در دنیای بازیگری هم آسیب دیده است. سختی نقش برای من این است که وقتی به آن فکر می‌کنم، برداشت خودم این است که او از روی حسرتی مفرط به سمت خودکشی رفته است. او دیگر از جنگیدن خسته شده بود.»

مرگ بازیگر، روزی است که بگوید کامل شده‌ام

وقتی از او می‌پرسیم که در بازیگری بیشتر به شهود تکیه می‌کند یا تکنیک، پاسخی تأمل‌برانگیز می‌دهد: «هر دو در کنار هم. مگر اینکه قرار باشد نقشی کاملاً خارجی و دور از دنیای خودم بازی کنم که نیازمند تکنیک و تحقیق محض باشد. اما برای نقش‌هایی از جنس مردم خودمان، من به تجربه و مشاهده تکیه می‌کنم. من بازیگرم؛ وقتی در مترو یا اسنپ می‌نشینم، مدام به آدم‌ها نگاه می‌کنم. ما همه از دل همین آدم‌ها بیرون می‌آییم.» او از واکنش‌های عمیق مخاطبان می‌گوید: «مخاطب از این نقش غم زیادی می‌گیرد. حتی دوستان مردی داشته‌ام که بعد از تماشای صحنه تعرض در نمایش، به من گفتند حالشان بد شده است. آنها هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند و قطعاً هیچکس دوست ندارد چنین اتفاقی برای اطرافیانش بیفتد.»

در پایان گفت‌وگو، بحث به نیازهای امروز یک بازیگر کشیده می‌شود. عساکره با تواضع و نگاهی رو به جلو می‌گوید: «بازیگری در دنیای امروز، اول از همه به تجربه و مطالعه نیاز دارد. انسان هیچ‌گاه کامل نمی‌شود. می‌گویند مرگ بازیگر زمانی است که به خودش بگوید من دیگر کامل شده‌ام. وقتی بازیگر فکر کند ظرفیتش تکمیل است و اطلاعاتش پر شده، باید فاتحه را بخواند. هنرمند مثل یک درخت است؛ هرچه پراختارتر، افتاده‌تر. من هم باید مدام مطالعه کنم و تجربه‌هایم را بیشتر کنم تا ناهید را به‌عنوان یک بازیگر، همیشه آپدیت نگه دارم.»

زیستن روی صحنه شرط اول است

گاهی صحنه تئاتر به جایگاهی برای درمان و عبور از بحران‌های شخصی تبدیل می‌شود. سحر بیرونوند، بازیگر نمایش «نامقصود» در نقش «رها»، قیفا چنین تجربه‌ای را از سر گذرانده است. او که پیش از پیشنهاد این نقش، درگیر انزوای مطلق، خانه‌نشینی و دوری از جامعه شده بود، می‌گوید این کاراکتر مانند کلاسی درس برای عبور از روزهای تاریک زندگی‌اش بود. پیوند سحر و نقش «رها» زمانی جالب می‌شود که بدانیم او برای رسیدن به این نقطه، حضور در پروژه‌های دیگری را از دست داد. بیرونوند درباره سختی‌های این نقش می‌گوید: «کاراکتر من پر از ادوات و ابزار بود؛ از چاقو و لپ‌تاپ گرفته تا ظرف رنگ. اما چالش اصلی، بسازی با یک مرغ بود! اینکه هر شب روی صحنه باید با آن ارتباط برقرار می‌کردم و سپس نابودش می‌کردم بسیار سخت بود.» او با خنده از تمرینات خانگی‌اش برای پاک کردن مرغ‌های یاد می‌کند، اما تأکید دارد که زیستن در این نقش برایش حیاتی بود. او برای نمایش خشم کاراکتر، مجبور شد بر غم عمیق درونی خود غلبه کند تا تماشاگر خشم او را باور کند.

بندبازی میان تکنیک و تجربه

وقتی از او درباره تقابل تجربه و تکنیک می‌پرسیم، با اشاره به آموزه‌های متد کاتینگ می‌گوید: «زیستن روی صحنه شرط اول است، اما بدون تکنیک، بازیگر به خود آسیب می‌زند. در همان صحنه مرغ، اگر فاصله‌گذاری نکنم از نظر روانی ویران می‌شوم.» بیرونوند برای درک بهتر نقش‌های پیشین خود حتی تجربه کار در کافه را دارد. مطالعه و به روز نگه داشتن بازیگر را ضروری می‌داند: «تکنیک تجربه واقعی و تکنیک است که نمایش را می‌سازد؛ در غیر این صورت بازیگری تبدیل به اداب‌زای می‌شود. ما روی صحنه شبیه یک بندباز حرفه‌ای هستیم.»



نایده عساکره

فهیمه رحیمی مانده است. در آن شصت هزار نامه، در آن ده‌ها بار چاپ «پنجره»، در هر خواننده‌ای که اولین رمان عمرش را از او خواند و دیگر کتاب را زمین نگذاشت.



سه کتاب از فهیمه رحیمی

به مناسبت تولد فهیمه رحیمی، نویسنده‌ای که بدون جوایز ادبی، میلیون‌ها مخاطب به دست آورد

زندگی در قلم یک عاشقانه نویسی

موفقیت رمان‌های عاشقانه فهیمه رحیمی باعث شد میلیون‌ها خواننده با شخصیت‌های داستان‌هایش همذات‌پنداری کنند

الیه کاکایی
هفت صبح

یک بار از او پرسیدند چرا فقط عاشقانه می‌نویسی؟ گفت: «چون معتقدم خداوند خود عاشق‌ترین عشق‌هاست و بدون عشق، زندگی فاسد است.» این جمله را می‌توان روی تمام زندگی فهیمه رحیمی نوشت. زنی که در سال ۱۳۳۱ در محله شه‌باز تهران به دنیا آمد. در ۹ سالگی برای پروانه‌ای دلسوزی کرد و آن دلسوزی را روی کاغذ آورد و از همان لحظه دیگر هرگز قلم را زمین نگذاشت. از سر عشق می‌نوشت، چون «پرنده کلمه» دور سرش می‌چرخید.

از انشایی در دفتر مدرسه تا کوهی از نامه

داستان نویسنده شدن فهیمه رحیمی را می‌توان از همان انشای کودکانه‌ای آغاز کرد که معلم و مادرش را به تحسین واداشت. بعدها در سیزده

سالگی «جنگ و صلح» تولستوی را خواند. در هفده سالگی از دواج کرد، تحصیل دانشگاهی و حوزوی را هر دو نیمه‌کاره رها کرد و سر از کرج در آورد. در کتابخانه شهر به حلقه ادبی پروین اعتصامی پیوست و همانجا بود که رئیس آن حلقه دست‌نوشته‌هایش را خواند و گفت باید چاپ شوند. اما راه چاپ، ساده نبود. رحیمی با رمان «بازگشت به خوشبختی» در دست، دفتر به دفتر گشت و جواب رد شدید تا اینکه انتشارات چکاوک ریسک کرد. سال ۱۳۶۹ کتاب منتشر شد و چیزی که اتفاق افتاد، حتی خود نویسنده را متحیر کرد: کوهی از نامه روی میز ناشر. رحیمی وقتی آنها را دید، گریست و ناشر هم با او گریست.

از آن روز تا آخر عمر، پاسخ دادن به نامه‌های خوانندگان بخشی از زندگی روزانه‌اش شد. تا سال ۱۳۸۵ به شصت هزار نامه پاسخ داده بود. شصت هزار. از سر محبتی که در داستان‌هایش جاری بود، نه از روی تکلیف.

قلمی که جریان ساخت
فهیمه رحیمی در دوره‌ای نوشت که ادبیات داستانی ایران درگیر جنگ و محدودیت بود و مجال چندانی برای رمان‌های احساسی وجود نداشت. او در همین شکاف، راهی گشود. داستان‌هایش پر بود از عشق، تقدیر، جدایی و وصال؛ همان دغدغه‌هایی که دختران و زنان ایرانی در سینه داشتند و جایی برای تابانشان نمی‌یافتند.
رمان «پنجره» ۳۳ بار تجدید چاپ شد. «آبوسوی» ۲۷ بار. عده‌ای از خوانندگان «زخم‌خوردگان تقدیر» انقدر با شخصیت‌های داستان همذات‌پنداری کردند که آدرس هنگامه و نظام دشتی را خواستند تا برون‌د کمکشان کنند. رحیمی مجبور شد برایشان رمان بعدی را بنویسد و عقاب‌شان را به خیر کند.
این یعنی او نمی‌نوشت، زندگی می‌ساخت. در طول ۲۲ سال نویسنده‌گی، نزدیک به یازده

ر کوردی نگران کننده برای مادران ایرانی: سزارین سه برابر استاندارد جهانی شد

فرار از زایمان طبیعی

آمارهای رسمی نشان می دهد نرخ سزارین در ایران به حدود ۶۰ درصد رسیده و فاصله زیادی با استاندارد جهانی دارد



حمیدرضا خالدي
هفت صبح

وزارت بهداشت، هشدار داده است که وضعیت زایمان طبیعی و سزارین در کشور به هیچ وجه خوب نیست. او با صراحت اعلام کرده که ایران اکنون جزو دو تا سه کشوری در جهان است که بیشترین میزان سزارین را دارد؛ واقعیتی که برای نظام سلامت یک امتیاز منفی بزرگ محسوب می شود. در حالی که سازمان جهانی بهداشت در این خصوص هشدار می دهد، در ایران سزارین از یک ضرورت پزشکی نجات بخش، به یک انتخاب سلیقه ای، فرهنگی و اقتصادی تبدیل شده که آمارهای آن اکنون سه برابر استاندارد جهانی است.

جراحی هایی که به دلیل عوارض سزارین مادران را می کشد، بسیاری از مادران تصور می کنند سزارین کمترین آسیب را به فرم بدن وارد کرده و آن ها را سریع تر به ظاهر قبل از بارداری بازمی گرداند. این موضوع جنبه روان شناختی عمیقی دارد و سزارین را با مفهوم زیبایی بیوند داده است. در حالی که متخصصان معتقدند با ورزش های پیش و پس از بارداری، فرم بدن در زایمان طبیعی هم به خوبی حفظ می شود، اما تبلیغات غیرمستقیم سزارین به عنوان یک روش «مدرن»، این باور غلط را در جامعه نهادینه کرده است.

جراحی لایه ها: خطرآتی که دیده نمی شوند
نظری برخلاف تصور عامه که سزارین را بی خطر می دانند، هشدار می دهد که این عمل در واقع یک جراحی مهم است. او می گوید: «شما در سزارین لایه ها و بخش های مختلفی از بدن را جراحی می کنید. این عمل تیغ های خاص خود را دارد؛ از احتمال آسیب به رگ های اصلی گرفته تا ایجاد چسبندگی های شدید شکم و رحم که می تواند بارداری های بعدی را با خطر جدی مواجه کند.»

تبعات روحی و روانی
یکی از جنبه های کمتر دیده شده سزارین، آسیب های روانی آن است. نظری معتقد است بسیاری از زنان بعد از عمل دچار مشکلات روحی می شوند، چون حس می کنند بخشی از تجربه مادرانه خود یعنی زایمان طبیعی را از دست داده اند. همچنین در برخی موارد، مادران سزارینی در برقراری ارتباط اولیه و تماس پوستی با نوزاد دچار مشکل می شوند. او تأکید می کند که اگر عوارض روحی پس از سزارین پیش بیاید، حمایت نزدیکان و مراجعه به مشاور ضروری است. همچنین

زنان از تغییرات فیزیکی پس از زایمان طبیعی است. بسیاری از مادران تصور می کنند سزارین کمترین آسیب را به فرم بدن وارد کرده و آن ها را سریع تر به ظاهر قبل از بارداری بازمی گرداند. این موضوع جنبه روان شناختی عمیقی دارد و سزارین را با مفهوم زیبایی بیوند داده است. در حالی که متخصصان معتقدند با ورزش های پیش و پس از بارداری، فرم بدن در زایمان طبیعی هم به خوبی حفظ می شود، اما تبلیغات غیرمستقیم سزارین به عنوان یک روش «مدرن»، این باور غلط را در جامعه نهادینه کرده است.

وقتی دستمزدها تعیین کننده می شوند

اما بخش مهمی از بحران سزارین در ایران ریشه در مسائل مالی دارد. نظری هم از عوامل اقتصادی به عنوان یکی از محرک های اصلی افزایش آمار سزارین یاد می کند: «واقعیت این است که دستمزد پزشک برای یک زایمان طبیعی بسیار پایین تر از دستمزدی است که برای عمل سزارین دریافت می کنند. این در حالی است که در زایمان طبیعی، پزشک ممکن است مجبور باشد تا ۲۴ ساعت بیمار خود را به طور مستقیم تحت نظر قرار دهد، اما جراحی سزارین کمتر از یک ساعت و نیم ساعت طول می کشد.» این عدم توازن مالی باعث می شود که نه تنها سیستم درمانی تمایلی به ترویج زایمان طبیعی نداشته باشد، بلکه در مواردی پزشکان خود مادران را به سمت سزارین ترغیب کنند. طبق گفته های این متخصص، در شرایط تورمی کنونی، سزارین حداقل چندها میلیون تومان هزینه اضافه بر روی دست خانواده ها می گذارد که ناشی از تعرفه های بیمارستانی و دستمزدهای جراحی است.

به زایمان طبیعی نیز در مقابل اصرار بیمار برای سزارین، مقاومت چندانی نشان ندهند.

سزارین به عنوان یک مداخله ناخواسته
با این حال همچنان یک سوال مهم باقی است. اینکه آیا در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته در علم زنان و زایمان نیز مانند ایران آمار سزارین تا این حد بالاست؟ سوالی که پاسخ نظری به آن منفی است. او با مقایسه ایران با کشورهای مثل ایتالیا و آمریکا و... می گوید: «دوستان همکار من در خارج از کشور وقتی می شنوند ما روزانه چندین عمل سزارین انتخابی داریم، شوکه می شوند. در آنجا سزارین به هیچ وجه توصیه نمی شود چون پزشکان و سیستم درمانی می دانند که این عمل چه هزینه ها و خطراتی برای مادر دارد. به خصوص در کشوری مانند ایتالیا که سزارین امری تقبیح شده است و به همان نسبت آمار آن نیز بسیار پایین است و در عوض، زایمان طبیعی بی درد به شدت رواج دارد و مادران از آن استقبال می کنند.»

در واقع در فرهنگ جهانی، زایمان طبیعی یک موفقیت و سزارین یک شکست در روند طبیعی محسوب می شود، اما در ایران این معادله دقیقاً برعکس شده است.

سزارین اول:
پایان زایمان طبیعی در آینده
سزارین اما جنبه های دیگری هم دارد. سعیدی هشدار می دهد که سزارین انتخابی در فرزند اول، یک بیست مهم در باروری ایجاد می کند. او معتقد است که وقتی فرزند اول با سزارین متولد می شود، تولد فرزند دوم به صورت طبیعی خطرناک است و هر پزشکی زیر بار آن نمی رود. بنابراین، تصمیم اشتباه در اولین زایمان، سر نوشت بارداری های بعدی مادر را نیز به اتاق عمل گره می زند.

از بوجه تشویقی تا کارانه ۱۰ برابری
با تمام این تفصیلات وزارت بهداشت برای مقابله با این بحران، سیاست های جدیدی را در دستور کار قرار داده است. تشکیل «کمیته سلامت مادران» و اختصاص بودجه های تشویقی به دانشگاه های علوم پزشکی که موفق به کاهش آمار سزارین شوند، از بوجه تشویقی تا کارانه ۱۰ برابری



این جا ببینید



به گفته او، زمانی که یک داروی ارزان قیمت نتواند بیماری را کنترل کند، بیمار باید به گزینه های موثرتر و با کیفیت تر دسترسی داشته باشد.

کیفیت اسپری؛ فراتر از ماده اولیه
این فسوق تخصص ریه تأکید می کند که استاندارد یک اسپری تنفسی تنها به کیفیت ماده اولیه محدود نمی شود. به گفته وی، بخش مهمی از اثربخشی این داروها به طراحی و عملکرد دستگاه استنشاقی وابسته است.

او توضیح می دهد که اگر بدنه و سیستم پاشش اسپری استاندارد نباشد، حتی استفاده از بهترین مواد اولیه نیز نمی تواند اثربخشی مطلوب ایجاد کند؛ زیرا ذرات دارو به شکل مناسب به مجاری تنفسی و بخش های عمقی ریه نمی رسند.

به اعتقاد ناظمیه، سازمان غذا و دارو باید سازوکاری مشخص برای ارزیابی و استانداردسازی اسپری های تنفسی فراهم کند تا کیفیت این محصولات پیش از ورود به بازار به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد.

محدودیت انتخاب برای بیماران
یکی دیگر از چالش های مطرح شده در حوزه داروهای تنفسی، محدود بودن انتخاب بیماران و پزشکان است. ناظمیه می گوید در بسیاری از

نگاهی به فیش های جدید بازنشتگان در سال ۱۴۰۵

چه کسانی بیشترین افزایش حقوق را گرفتند؟

احکام جدید برای بیش از پنج میلیون بازنشته صادر شده و افزایش حقوق ها بر اساس دو فرمول متفاوت اعمال شده است

هفت صبح | بالاخره بعد از کش و قوس های فراوان و انتظاری که بازنشتگان داشتند، احکام حقوقی سال ۱۴۰۵ برای حدود هفتمیلیون و ۲۰۰ هزار بازنشته مستعمری بگير تامين اجتماعي صادر شد. حالا ديگر اين احکام روی سامانه قابل مشاهده است و هر فرد می تواند ببیند که وضعیت دریافتی اش در سال جدید چطور رقم خورده است. با انتشار این ارقام، طبیعتاً در میان جامعه بزرگ بازنشتگان سوالات و ابهاماتی درباره نحوه محاسبه ها، علت تغییر برخی ردیف ها و تفاوت مبالغ پیش آمده است. در این گزارش تلاش شده تا بر اساس توضیحات مسئولان مربوطه، تصویری روشن از این احکام جدید و منطبق پشت آنها ارائه شود تا نگرانی ها در این باره به طرف گردد.

جهش در دریافتی ها: از حداقل بگیران تا سایر سطوح طبق آمارهای رسمی ارائه شده، امسال در بحث افزایش حقوق ها شاهد دو مدل متفاوت برای بازنشتگان هستیم. دسته اول که به عنوان حداقل بگیر شناخته می شوند، با یک افزایش قابل توجه ۶۰ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو شده اند. این یعنی مبلغ مستمری آن ها در سال ۱۴۰۵ به عدد ۱۶۶،۲۵۵،۵۰۰ ریال رسیده است. اما برای دسته دوم که سایر سطوح نامیده می شوند، فرمول متفاوتی اجرا شده؛ به این ترتیب که مستمری آن ها ۴۵ درصد نسبت به سال قبل زیاد شده و علاوه بر این در درصد، یک مبلغ ثابت معادل ۱۵،۵۸۶،۴۷۰ ریال هم به حقوقشان اضافه شده است. اگر خواهیم یک نگاه کلی به این اعداد بیندازیم، به طور میانگین حقوق ها حدود ۵۰ درصد رشد داشته است. جالب اینجاست که وقتی این اعداد را با دیگر صندوق های بازنشتستگی مقایسه می کنیم، متوجه می شویم که افزایش مستمری در سازمان تامین اجتماعی حدود ۲۵ درصد بیشتر از بقیه صندوق ها بوده است. مسئولان بر این باورند که این تفاوت ها در درصد افزایش، با هدف حمایت بیشتر از اقشار با درآمد پایین تر و حفظ حداقل معیشت آن ها طراحی شده تا اثر تورم برای همه گروه ها متعادل تر شود.

گام نهایی در مسیر متناسب سازی حقوق
یکی از بخش های مهم احکام امسال، اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت است. طبق این قانون، قرار بود متناسب سازی حقوق بازنشتگان غیرحداقل بگیر به شکلی انجام شود که دریافتی آن ها به ۹۰ درصد نسبت مستمری زمان برقراری برسد. حالا در سال ۱۴۰۵، این مسیر به ایستگاه آخر رسیده است. در واقع سومین است. از آنجایی که هر پرداختی در این سازمان نیازمند حکم قانونی و تأمین منابع در بوجه است، امکان استمرار آن در سال جاری وجود نداشت. این حال، به جای این مبلغ نقدی، دولت راهکار جایگزینی را در نظر گرفته است. طبق اطلاعات موجود، دولت کمک معیشت و حفظ قدرت خرید را امسال در قالب طرح کالابرگ دنبال می کند. در این طرح، به هر نفر مبلغ یک میلیون تومان اختصاص می یابد تا بتواند نیازهای اساسی خود را تأمین کند. بنابراین، نبود آن ردیف در حکم حقوقی به معنای نادیده گرفتن معیشت نیست، بلکه سازوکار حمایتی از حالت نقدی مستقیم به کالابرگ تغییر یافته است.

چرا مزایای جانبی مثل حق مسکن و معیشت تغییر نکرد؟
بسیاری از بازنشتگان می پرسند چرا با وجود تورم، مبالغی مثل کمک هزینه مسکن و تأمین معیشت نسبت به پارسل ثابت مانده است؟ در پاسخ به این ابهام باید گفت که امسال حق مسکن همان مبلغ ۲،۷۰۰،۰۰۰ ریال و کمک به تأمین معیشت هم ۶۰۰،۰۰۰ ریال باقی مانده است. مسئولان مربوطه معتقدند که با توجه به محدودیت در منابع و اعتبارات، اولویت اصلی در سال ۱۴۰۵ این بوده که «اصل مستمری ها» افزایش پیدا کند.

دلیل این اولویت بندی هم منطقی است؛ افزایش در اصل مستمری پایدار است و در سال های آینده هم به عنوان پایه محاسبات قرار می گیرد، در حالی که مزایای جانبی چنین خاصیتی ندارند. از طرف دیگر، باید به این نکته توجه کرد که پرداخت مبالغی مثل عائله مندی، اولاد و مسکن، جزو تکالیف قانونی و اجباری سازمان تأمین اجتماعی نیست. این ها مزایای حمایتی هستند که در سال های قبل برای کمک به معیشت اضافه شده اند و سازمان آنها در صورت وجود منابع مالی مراد، مجاز به افزایش آن هاست.

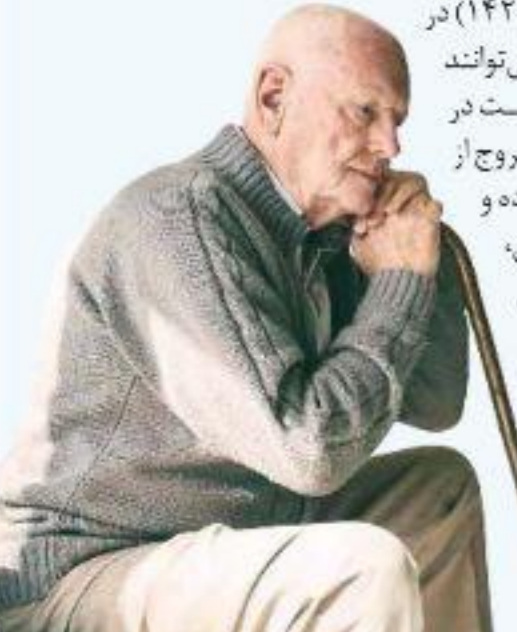
تفاوت میان بازنشتگان دولتی و غیر دولتی

یکی از نقاط پیچیده احکام امسال، تفاوت در افزایش مزایای بازنشتگان دولتی و غیر دولتی است. بازنشتگان دولتی با همان کارمندی، کسانی هستند که در نهادهای دولتی شاغل بوده اند و حالا عائله مندی و اولاد آن ها طبق قانون مدیریت خدمات کشوری افزایش یافته است. برای رعایت عدالت، مبلغ کمک معیشت این افراد تعدیل شده؛ به طوری که اگر عائله مندی بگیرند، مبلغ کمک معیشت آن ها حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار ریال است و اگر همسر نداشته باشند، همان ۶ میلیون ریال را دریافت می کنند.

اما برای بازنشتگان غیر دولتی یا کارگری، مبنای این پرداخت ها منابع داخلی خود سازمان است. به همین دلیل مبلغ کمک هزینه اولاد برای آن ها ۱۷،۱۹۲،۷۶۵ ریال تعیین شده، در حالی که برای دولتی ها ۲۰ درصد افزایش به بیش از ۲۰ میلیون ریال رسیده است. این تفاوت ریشه در قوانین متفاوتی دارد که هر گروه تحت پوشش آن هستند و سازمان تلاش کرده با این فرمول ها، از ایجاد تفاوت های غیرمتعارف در مجموع دریافتی ها جلوگیری کند.

شفافیت در پاسخگویی و روش های اعتراض به احکام

در نهایت، ممکن است هنوز کسانی باشند که به نحوه محاسبه حقوق یا سوابق خود اعتراض داشته باشند. در مورد ردیف های حکم خود دچار سردرگمی شوند، مسئولان تأکید کرده اند که هیچ نیازی به مراجعه حضوری به شعب برای دریافت حکم یا فیش حقوقی نیست. همه بازنشتگان می توانند از طریق اپلیکیشن «تأمین من» یا سامانه خدمات غیر حضوری، تمام جزئیات و محاسبات آنلاین مستمری متناسب سازی شده خود را مشاهده کنند. همچنین برای کسانی که نسبت به ارقام حکم خود معترض هستند، سامانه نظارت و ارتباطات مردمی (۱۴۲۰) در نظر گرفته شده است. افرادی می توانند با تماس تلفنی یا ثبت درخواست در سایت ۱۴۲۰، بدون نیاز به خروج از منزل، شکایت خود را ثبت کرده و با دریافت کد پیگیری پیامکی، منتظر بررسی مجدد کارشناسان باشند. این اقدامات با هدف صیانت از منابع بین نسلی و اطمینان از این موضوع انجام شده که هر ریال پرداختی، دقیقاً طبق قانون و عدالت به دست بازنشتگان برسد.



سلامت

بررسی کیفیت اسپری های تنفسی وار داتی به بازار ایران

نفس های بی قرار

بیماران مبتلا به آسم و بیماری مزمن انسدادی ریه (COPD) در حالی طی دو سال اخیر با کمبود و نوسان در دسترسی به داروهای استنشاقی دست و پنجه نرم می کنند که ورود برخی اسپری های تنفسی وارداتی با منشأ چینی به بازار دارویی کشور، بحث های تازه ای را درباره کیفیت، اثربخشی و حق انتخاب بیماران در زمان ایجاد تأکید می کند که در داروهای استنشاقی، صرف تأمین یک فرآورده برای رفع کمبود کافی نیست و کیفیت دارو و تجهیزات تحویل آن نقش تعیین کننده در موفقیت درمان دارد.

کلایه بیماران از کیفیت برخی داروها
مسعود ناظمیه، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز و مدیر گروه داخلی بیمارستان امام رضا تبریز با اشاره به وضعیت درمان بیماران تنفسی می گوید بیماری های ریوی معمولاً محدود به ریه نیستند و می توانند سایر ارگان ها از جمله سیستم قلبی عروقی و عصبی را نیز تحت تأثیر قرار دهند؛ موضوعی که اهمیت کنترل مناسب بیماری را دوچندان می کند.

به گفته وی، در حال حاضر داروهای جدید و پیشرفته ای برای درمان COPD در جهان وجود دارد، اما بسیاری از بیماران ایرانی به دلیل هزینه های بالا امکان استفاده از آنها را ندارند. از سوی دیگر، بخشی از بیماران نیز از اثربخشی برخی درمان های ارزان تر رضایت کافی ندارند و از عوارضی مانند گرفتگی صدا یا عفونت های قارچی دهان شکایت می کنند. ناظمیه معتقد است کیفیت داروهای تنفسی تولید داخل باید از تقابلی با توان رقابت با محصولات دارای فناوری پیشرفته را پیدا کند.



بیمارانی که برای کنترل بیماری خود به مصرف مستمر داروهای استنشاقی وابسته هستند و هرگونه اختلال در دسترسی یا اثربخشی دارو می تواند سلامت آنها را با خطر مواجه کند.

داروهای استنشاقی برخلاف بسیاری از داروهای خوراکی، تنها به ماده موثره وابسته نیستند. در این دسته داروویی، کیفیت فرمولاسیون، فناوری تولید، اندازه ذرات و عملکرد دستگاه استنشاقی، همگی بر میزان رسیدن دارو به ریه و در نهایت بر نتیجه درمان اثر می گذارند. به همین دلیل بسیاری از بیماران سال ها با یک برند مشخص به ثبات درمانی می رسند و تغییر ناگهانی دارو یا جایگزینی اجباری آن می تواند کنترل بیماری را مختل کند.

پایان هولناک بی خبری از خاله

چند روز سکوت و بی خبری، نگرانی خانواده زنی جوان را به جایی رساند که مقابل ساختمان محل زندگی او جمع شدند. تماس‌های بی پاسخ و در بسته خانه‌ای که همیشه نشانی‌های حضور صاحبش داشت، این بار حسن نارامی عجیبی ایجاد کرده بود؛ نگرانی‌ای که ساعتی بعد به کشف صحنه‌ای غیرمنتظره ختم شد.

اواخر هفته گذشته، گزارش مرگ مشکوک زنی جوان به باز پرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد و پس از ثبت این گزارش، تیم جنایی راهی محل حادثه شد. مأموران پس از ورود به خانه با صحنه‌ای روبه‌رو شدند که از همان نگاه نخست پرسش‌های زیادی را ایجاد می‌کرد. وسایل خانه نظم‌همیشگی نداشت و آشفتگی در بخش‌های مختلف آن به چشم می‌خورد. در اتاق خواب نیز جسد زن جوان پیدا شد.

بررسی‌های اولیه نشان می‌داد چند روز از زمان مرگ گذشته است و به دلیل شرایط جسد از جمله فساد نعشی، تعیین علت فوت در محل ممکن نبود. با این حال، وضعیت خانه فرضیه‌ای مهم را در برابر تیم تحقیق قرار داد و احتمال وقوع یک جنایت مطرح شد.

خواهرزاده زن فوت‌شده که موضوع را به پلیس اطلاع داده بود، در تحقیقات گفت: «خاله‌ام به تنهایی زندگی می‌کرد و من به همراه مادرم هر چند وقت یک بار به او سر می‌زدیم. تماس تلفنی ما نیز مرتب برقرار بود. حدود دو هفته هر چه با او تماس گرفتیم پاسخی دریافت نکردیم. ابتدا تصور می‌کردیم شاید تمایلی به صحبت کردن ندارد یا می‌خواهد مدتی تنها باشد، اما طولانی شدن این بی‌خبری باعث نگرانی ما شد.»

او ادامه داد: «وقتی به ساختمان محل زندگی خاله‌ام رفتم، از مدیر ساختمان و همسایه‌ها سر اعش را گرفتم. آنها نیز گفتند مدت‌هاست او را ندیده‌اند. خودرویش همچنان در پارکینگ قرار داشت و همین موضوع نگرانی ما را بیشتر کرد. در نهایت با پلیس تماس گرفتم و پس از ورود به خانه با یک پیکر بی‌جان او روبه‌رو شدیم.»

با دستور مقام قضایی، جسد برای انجام بررسی‌های تخصصی و تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین دستور بازبینی تصاویر دوربین‌های مدار بسته، بررسی اموال شخصی و مشخص شدن احتمال سرقت از خانه صادر شد. تحقیقات تکمیلی برای روشن شدن ابعاد این پرونده همچنان ادامه دارد.

بررسی‌های اولیه نشان می‌داد چند روز از زمان مرگ گذشته است و به دلیل شرایط جسد از جمله فساد نعشی، تعیین علت فوت در محل ممکن نبود.

با دستور مقام قضایی، جسد برای انجام بررسی‌های تخصصی و تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

مقتول از مدت‌ها قبل با ایوب که از بازگشت فرود آمدن افغانستان بود مرادده‌های کاری و مالی داشت.

هر دو، تاجر لاستیک خودروهایی سنگین بودند، اما چند وقت قبل تاجر ایرانی ۴۰۰ هزار دلار به ایوب داد که او دیگر آن را برنگرداند. مقتول سعی داشت به جای این پول، زمینی را که با تاجر افغان به صورت شریکی در اطراف تهران خریده بودند تصاحب کند و اختلاف آن‌ها ادامه داشت.



ایوب که از اتباع است برای وصول چک‌های خود و ثبت مبالغه‌ناهمه مشکل دارد برای همین از من خواست در ازای دریافت ۲۰۰ میلیون تومان برای او یک چک ۵ میلیاردی نقد کنم که من هم قبول کردم. در آن زمان در شهرستان خودمان به خاطر یک زمین با چند نفر دعوا کرده بودم و برای گرفتن وکیل به پول نیاز داشتم. روز حادثه برای نقد کردن چک به تهران آمده بودم و قرار شد بعد از انجام مقداری از کارها چند روز بعد دوباره به تهران بیایم. آن روز ایوب به من گفت که برای گرفتن چک سراغ بهرام بروم و من را مدت زیادی در خیابان اقدسیه منتظر گذاشت. بعد گفت بهرام در خیابان پاسداران است من به میلاد که پسر عمه من است زنگ زدم و گفت با موتور دنبالم بیا که با هم به بندر برویم. من سنگ کارم و سفارش قبول کرده بودم برای همین باید سریع به بندر می‌گشتم. آن روز ما اصلاحات خیابان پاسداران ترافیک و در این ماجرا بیگانه هستیم من اعترافات قبلی خودم را قبول ندارم چون ایوب به من گفته بود گناه را گردن بگیر تا به تو پول خوبی بدهم او می‌گفت رضایت می‌گیرم و با وعده پول من را وسوسه کرد بعد هم وقتی در زندان بودم برای یکی از نوجوهایش در بندما که گوشه داشت فیلمی از پسرم در حال بازی در کوچه فرستاد او من را تهدید کرد و گفت اگر هر چه دیکته می‌کنم تویی جان خانواده‌ات در خطر است.

سپس نوبت به دفاع میلاد رسید و او گفت: «من در جریان هیچ چیز نبودم، نه مقتول را می‌شناختم و نه ایوب را. روز حادثه حامد به من زنگ زد و از من عجله دارد و من هم برای کمک به او رفتم اما زمانی که به پاسداران رسیدیم به سمت راسته یک خودروی ۲۰۷ فرستادند او اصدازد و چند کلمه‌ای با او حرف زد و ناگهان شلیک کرد من خیلی شوکه شده بودم نمی‌دانستم چرا چنین کاری کرد اما تاهام را قبول ندارم.»

بعد از این دو نفر ایوب که با اقرار و وثیقه از زندان آزاد شده از خودش دفاع کرد و گفت: «ما چک‌ها و مبالغه‌ناهمه‌هایمان را به نام افراد مورد اعتماد ایرانی می‌نوشتیم، برای همین حامد هم قرار بود که برای ما یک امضا را بهرام بگیرد. روز حادثه به او پیام دادم و گفتم بهرام الان به خانه‌اش می‌رسد اما این پیام فقط برای اخذ امضا بود نه برای اینکه آمار بهرام را برای جنایت بدهم.»

قاضی گفت: «سیمکارتی که حامد از آن استفاده

قتل تاجر ایرانی با دسپسه مسلحانه مرد افغان ثروتمند متهم: با تهدید خانواده‌ام، قتل را گردن گرفتم

ایوب که از اتباع است برای وصول چک‌های خود و ثبت مبالغه‌ناهمه مشکل دارد برای همین از من خواست در ازای دریافت ۲۰۰ میلیون تومان برای او یک چک ۵ میلیاردی نقد کنم که من هم قبول کردم. در آن زمان در شهرستان خودمان به خاطر یک زمین با چند نفر دعوا کرده بودم و برای گرفتن وکیل به پول نیاز داشتم. روز حادثه برای نقد کردن چک به تهران آمده بودم و قرار شد بعد از انجام مقداری از کارها چند روز بعد دوباره به تهران بیایم. آن روز ایوب به من گفت که برای گرفتن چک سراغ بهرام بروم و من را مدت زیادی در خیابان اقدسیه منتظر گذاشت. بعد گفت بهرام در خیابان پاسداران است من به میلاد که پسر عمه من است زنگ زدم و گفت با موتور دنبالم بیا که با هم به بندر برویم. من سنگ کارم و سفارش قبول کرده بودم برای همین باید سریع به بندر می‌گشتم. آن روز ما اصلاحات خیابان پاسداران ترافیک و در این ماجرا بیگانه هستیم من اعترافات قبلی خودم را قبول ندارم چون ایوب به من گفته بود گناه را گردن بگیر تا به تو پول خوبی بدهم او می‌گفت رضایت می‌گیرم و با وعده پول من را وسوسه کرد بعد هم وقتی در زندان بودم برای یکی از نوجوهایش در بندما که گوشه داشت فیلمی از پسرم در حال بازی در کوچه فرستاد او من را تهدید کرد و گفت اگر هر چه دیکته می‌کنم تویی جان خانواده‌ات در خطر است.

سپس نوبت به دفاع میلاد رسید و او گفت: «من در جریان هیچ چیز نبودم، نه مقتول را می‌شناختم و نه ایوب را. روز حادثه حامد به من زنگ زد و از من عجله دارد و من هم برای کمک به او رفتم اما زمانی که به پاسداران رسیدیم به سمت راسته یک خودروی ۲۰۷ فرستادند او اصدازد و چند کلمه‌ای با او حرف زد و ناگهان شلیک کرد من خیلی شوکه شده بودم نمی‌دانستم چرا چنین کاری کرد اما تاهام را قبول ندارم.»

قاضی گفت: «سیمکارتی که حامد از آن استفاده

خر داد سال ۱۴۰۱ گزارش قتل مسلحانه مرد ۶۸ ساله‌ای به نام بهرام در دستور کار باز پرس ویژه قتل قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد بهرام در حال ورود به پارکینگ خانه خود واقع در خیابان پاسداران بوده که یک موتورسیکلت با دو سرشمن به خودروی ۲۰۷ او نزدیک شده و با شلیک گلوله او را به قتل رساندند. در قدم اول از تحقیقات جنایی دستور بازبینی دوربین‌های مدار بسته صادر شد و در تصاویر به دست آمده دیده شد که پلاک موتورسیکلت مخدوش شده و سرنشینان آن صورت خود را پوشانده بودند تا شناسایی نشوند. همچنین مشاهده شد که موتورسواران بعد از انجام مکالمه که تاهای با بهرام ناگهان به او شلیک کرده و از محل متواری شدند.

شناسایی متهمان در قدم ابتدایی از تحقیقات اعضای خانواده بهرام به مأموران جنایی گفتند که بهرام از مدتی قبل با یک تاجر افغان به نام ایوب بر سر یک زمین ارزشمند اختلاف مالی داشتند به این ترتیب ایوب به عنوان تنها مظنون پرونده تحت تعقیب قرار گرفت و دستگیر شد اما به رغم ادله‌ای که بر علیه او وجود داشت تا چند ماه پس از بازداشت لب به اعتراف باز نکرد. بالاخره بعد از اینکه متهم خود را در بن بست اطلاعاتی دید به دست داشتن در جنایت مسلحانه اعتراف کرد و گفت که دو نفر از آشنایان خود را که هر دو ایرانی بودند، اجیر کرده بود تا بهرام را به قتل برسانند.

با اطلاعاتی که ایوب در اختیار مأموران جنایی قرار داد، دو موتورسوار به نام‌های حامد و میلاد تحت تعقیب قرار گرفتند اما مشخص شد آنها به مکان نامعلومی گریخته‌اند.

تصادف رازگشا در حالی که مأموران در صدد یافتن ردی از متهمان متواری بودند، کادر درمان یکی از بیمارستان‌های تهران به پلیس اعلام کردند که فردی با مشخصات یک متهم متواری تحت تعقیب بعد از یک تصادف خسارت‌بار به همراه همسرش پستری شده‌اند. به این ترتیب حامد دستگیر شده و معلوم شد بعد از جنایت به همراه میلاد به بندر عباس رفته بودند اما بعد از مدتی که گمان می‌کردند آب‌ها از آسیاب افتاده است، به تهران برگشتند اما تصادف حامد باعث شد به بیمارستان مراجعه کرده و دستگیر شود. بعد از حامد مخفیگاه میلاد نیز شناسایی شده و او نیز به دام افتاد.

حامد در مواجهه با مأموران جنایی گفت: «مقتول از مدت‌ها قبل با ایوب که از بازگشت فرود آمدن افغانستان بود مرادده‌های کاری و مالی داشت. هر دو، تاجر لاستیک خودروهای سنگین بودند، اما

۷ خبر مهم در هفت صبح

دراگان اسکوچیچ سرمربی جدید استقلال!

در ورزشگاه کوآتموک شهر پوینلای مکزیک و در مراسم پیش از آغاز بازی دوستانه و تدارکاتی جام جهانی میان اسپانیا و پرو، طولانی‌ترین نسخه سرود ملی اسپانیا طنین‌انداز شد. نگاه‌های زیرچشمی، برخی لبخندهای کمرنگ و حتی حالت‌های تعجب‌برانگیز، واکنش‌های بازیکنان اسپانیا به نسخه پیش از دو دقیقه‌ای سرود ملی بود که در پوینلای شنیده شد.

با توجه به همزمانی دیدار تیم‌های ملی ایران و مصر با برگزاری مراسم عاشورا افسرین فوتبال ایران به حرمت عزای این روز بزرگ به فدراسیون جهانی فوتبال اطلاع داد که بازیکنان تیم ملی ایران فصد دارند در این بازی با بازیکنان مشکی وارد زمین شوند. بنابراین انتظار دارد که فیفا با این خواسته موافقت کند.

با توجه به حضور استقلال در لیگ نخبگان آسیا، اعضای کمیته فنی روی درآگان اسکوچیچ به عنوان گزیده اول نظر دارند. آنها معتقدند این مربی با فوتبال کشورمان آشناسایی دارد و امتحانش را در ایران پس داده و به همین دلیل گزینه نخست آنهاست.

انتشار یک ویدئو در تیک‌تاک در هفته منتهی به آغاز رقابت‌های جام جهانی که در آن بامال با یک ماسک اکسیژن دیده می‌شد، به سرعت توجهات را جلب کرد. کمی بعد مشخص شد که حضور لاین بامال در این وضعیت، مربوط به فرآیند ریکاوری در اتاق اکسیژن هابریباریک (فشار بالا) بوده است؛ روشی که در آن اکسیژن با فشار بالا به بدن منتقل می‌شود. هدف این روش درمانی، بهبود روند ریکاوری از طریق افزایش جذب اکسیژن در خون و کمک به ترمیم بافت‌هاست.

فیفا در حالی از پذیرش مسئولیت پرونده عمر عبدالقادر آرتان شانه خالی کرده که این داور سومالیایی پس از سال‌ها تلاش برای حضور در جام جهانی، با تصمیم مقام‌های امریکایی از ورود به این کشور منع و از قضاوت در مسابقات محروم شد. فیفا همچنین تأکید کرد در روندهای مهاجرتی و صدور ویزا دخالتی ندارد و تصمیم‌نهایی درباره ورود افراد بر عهده کشور میزبان است.

پدی ستاره ۲۳ ساله تیم ملی اسپانیا پس از برتری ۳ بر یک برابر تیم ملی پرو گفت: «برچسب مدعی بودن را به ما می‌زنند و واضح است که آن را رد نمی‌کنیم. ما حس می‌کنیم تیم ملی بسیار خوبی هستیم و یک مدعی بزرگ برای فتح جام جهانی!»

زهران ممدانی شهردار نیویورک از سیاست ترامپ در ایجاد محدودیت‌های مسافرتی برای تیم‌ها و داوران حاضر در جام جهانی انتقاد کرد و گفت: «رد شدن ویزای خبرنگاران برخی کشورها، عدم صدور ویزا برای مربیان بعضی تیم‌ها و همچنین صدور ویزاهای یک‌روزه برای برخی تیم‌های ملی، کلاً در تضاد با روح جام جهانی است.»

خورد و به نشان نقره المپیک رسید! شاید اگر رحمان عموزاد هنر دفاع کردن را بلد بود یا هوشیار روی تشک می‌رفت آن طور مقابل حریف ژاپنی غافلگیر نمی‌شد و...

یکشنبه گذشته، در فینال وزن ۶۵ کیلوگرم کشتی آزاد رنکینگ جهانی فولاستان، رحمان عموزاد صاحب مدال طلا شد.

عموزاد پس از استراحت در دور نخست، در دور دوم با نتیجه ۵ بر صفر وانگ چین کیم از کره شمالی را شکست داد و راهی نیمه‌نهایی شد. عموزاد در این مرحله آدلان آساکاروف از قزاقستان را با نتیجه ۱۲ بر یک شکست داد و راهی فینال شد. عموزاد برای کسب مدال طلا با شمیل ممدوف از بلغارستان روبه‌رو شد، او در حالی که ۸ بر یک عقب بود کامبک زد و با برتری ۱۷ بر ۱۰ مدال طلا گرفت.

دقت کردید؟ ۱۷ بر ۱۰ و کشتی به سبک آیت واگداری! شاید خیلی‌ها از این نتیجه و پیروزی خوشحال شده باشند اما واقعیت چیز دیگری است. رحمان عموزاد یکی از امیدهای اصلی طلای کاروان ایران در المپیک ۲۰۲۴ لس آنجلس است به شرط آن که عبدالله موحد باشد و نه آیت واگداری!

داداشتی برای رحمان عموزاد عبدالله موحد باش، آیت واگذاری نباش!

دارنده دو مدال طلای قهرمانی جهان خیلی خوب المپیک ۲۰۲۴ پاریس را به خاطر می‌آورد. در آن رقابت‌ها رحمان عموزاد دارنده مدال طلای جهان که در اوج آمادگی به سر می‌برد در دور نخست رقابت‌های وزن ۶۵ کیلوگرم، ابتدا ۸ بر صفر زاین رتروفورد قهرمان وزن ۷۰ کیلوگرم ۲۰۲۳ جهان از آمریکا را شکست داد و در دومین مبارزه نیز ۱۱ بر صفر از سد اسلام دودایف کشتی‌گیر روسی الاصل گذشت.

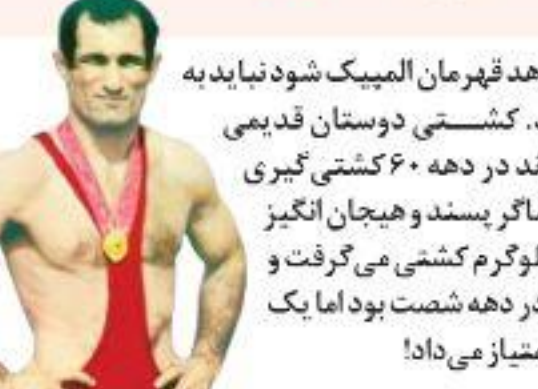
و راهی نیمه‌نهایی شد. ملی پوش ایران در مرحله نیمه‌نهایی به مصاف اسماعیل موساکایف کشتی‌گیر روسی الاصل مجارستان و دارنده مدال طلای جهان رفت و در همان وقت اول حریف خود را با اقتدار و با نتیجه ۱۰ بر صفر شکست داد و روی تشک رقصید و قهرمانی زودهنگام خود را با کم تجربه‌گی جشن گرفت! عموزاد اما در دیدار پایانی به مصاف کوتارو کیوکازا ژاپن رفت که در یک دیدار نفس گیر مغلوب حریف ژاپنی خود شد و با نتیجه ۱۰ بر سه شکست

کشتی‌گیری که می‌خواهد قهرمان المپیک شود نباید به رقیبانش مفت امتیاز دهد. کشتی دوستان قدیمی خیلی خوب به یاد می‌آورند در ۶۰ کشتی‌گیری

مازندرانی داشتیم به اسم آیت واگذاری که بسیار جذاب، تماشاگر پسند و هیجان‌انگیز کشتی می‌گرفت. این دلاور قانم شهری در وزن‌های ۷۴ و ۸۲ کیلوگرم کشتی می‌گرفت و یکی از فنی‌ترین و کارآمدترین کشتی‌گیران تیم ملی ایران در دهه شصت بود اما یک نقطه ضعف بزرگ داشت: خوب امتیاز می‌گرفت و خوب هم امتیاز می‌داد!

یک مازندرانی دیگر اهل شهر بابل، دنیای کشتی را با هنر دفاعی خود به تسخیر در آورد. عبدالله موحد در سال ۱۹۶۳ به عضویت تیم ملی ایران درآمد و در همان سال برای نخستین بار، در مسابقه‌های جهانی صوفیه (بلغارستان) در دسته ۷۰ کیلوگرم به روی صحنه رفت. مسابقه جهانی بعدی که در سال ۱۹۶۵ در منچستر انگلستان برگزار شد، موحد به همراه سیفیپور و مهدی زاده، موفق به کسب نشان طلا شد و تمام بزرگان این دسته، نظیر بریانشولی، ولجف، محمود اتالای و هوروی یوچی را به زیر کشید و بر سکوی قهرمانی ایستاد. موحد در مسابقه‌های جهانی ۱۹۶۶ تولید، مسابقه‌های جهانی ۱۹۶۷ دهلی‌نو، مسابقه‌های جهانی ۱۹۶۹ ماردل پلاتا، و

آیت واگذاری به همین خاطر نتوانست در مسابقات جهانی و المپیک ستول مدال بگیرد. کشتی‌گیران قدیمی مثل داشتند و می‌گفتند که آیت واگذاری ۱۳ امتیاز می‌گیرد و ۱۲ یا ۱۳ امتیاز می‌دهد. ۱۵ امتیاز می‌گیرد اما مقابل ضعیف‌ترین رقیبان ۷ امتیاز از دست می‌دهد و همین دفاع ضعیف پاشنه آشیل یکی از تهاجمی‌ترین کشتی‌گیران تاریخ مازندران شد. آیت واگذاری را داشته باشید تا شما را به یکی دو نسل قبل از این قهرمان قانم شهری ببریم. جایی که مرحوم عبدالله موحد



مهدی یکتا
هفت صبح



دنبال یک امتیاز باشسیم که می‌طلبد بازیکنان جنگنده و دونده برابر این تیم صف آرایی کنند و قطعاً امیر قلعه‌نویی و کادرفنی هم برای این بازی و دو مسابقه دیگر تدابیر لازم را به خرج داده‌اند. سیروس دین محمدی در پایان در خصوص خبر دلیلی میل انگلیس در خصوص تعرض یک بازیکن ملی به دختری ۱۴ ساله در هتل در ترکیه نیز خاطر نشان می‌کند: «چنین اخباری را دنبال می‌کنم و نه علاقه‌ای به آن دارم چون به نظر من نمی‌تواند و نباید درست باشد.»

دیروز پیش‌بینی نتیجه بازی ایران و بلژیک هم می‌رسیم که ستاره چه پای پیشین استقلال می‌گوید: بلژیک نیستیم و مساوی با این تیم هم بسیار سخت است. بلژیک مهره‌های هجومی و خوشسختانی دارد که کار را برای تیم ما سخت‌تر می‌کنند. جرمی دوکوستاره منچستر سیتی است، لئونارد ترسارد در آرسنال آقایی می‌کند و روملو لوکاکوی غول پیکر هم برگشته است. در چنین شرایطی خیلی سخت است که بخواهیم انتظار برد یا حتی مساوی داشته باشیم. باید در بازی با بلژیک

صلاح همیشگی نیست و همین مسئله هم به پیروزی تیم کشورمان کمک خواهد کرد. او ادامه می‌دهد: بازی با نیوزلند اما بر خلاف تمام پیش‌بینی‌ها اصلاً بازی آسانی نیست. خیلی‌ها از آن برد مقابل نیوزلند را برای تیم ملی ایران کنار گذاشته‌اند که بسیار می‌تواند خطرناک باشد. من فکر می‌کنم بازی با نیوزلند مساوی شود چون بازی دوستانه اخیر این تیم مقابل انگلیس را دیدیم که چقدر خوب مقاومت کرده و فقط با اختلاف یک گل و با نتیجه یک بر صفر باختند.

هافبک سابق تیم ملی کشورمان می‌گوید تیم ایران در جام جهانی محمد صلاح و همبازنش را شکست می‌دهد. هر چه به آغاز جام جهانی ۲۰۲۶ نزدیک می‌شویم تب جام جهانی و شور و شوق فوتبالی‌ها بیشتر می‌شود. تیم ملی کشورمان هم در گروه G جام جهانی با تیم‌های نیوزلند، بلژیک و مصر همگروه است و... در آستانه جام جهانی از سیروس دین محمدی ها فبک سابق تیم ملی و استقلال می‌خواهیم که نتایج تیم ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ را پیش‌بینی کند که می‌گوید: به نظر من زور تیم ملی ایران در این رقابت‌ها به تیم ملی مصر می‌رسد. من بازی‌های مصر را دیده‌ام و می‌دانم چه شرایطی دارد ضمن آن که محمد صلاح هم دیگر آن محمد

سیروس دین محمدی: نیوزلند مساوی می‌کنیم و به بلژیک می‌بازیم

زورمان به مصر می‌رسد!

روایت

روایت

ورزش

ورزش

روایت

روایت

ورزش

ورزش

ورزش

ورزش

